



انترناسیونال

۳۲۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۰ آذر ۱۳۸۸، ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

مانیفست

انقلاب ایران

انقلابی که از خرداد ۸۸ آغاز شد فوران خشم فروخورده مردم علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. این انقلابی برای خلاصی از نظامی فاسد و درهم شکستن ماشین کشتار و چپاول و جهل و دروغ است که سی سال زندگی مردم را به تباهی کشانده است. این انقلاب تا بزیر کشیدن کل حکومت اسلامی و درهم کوبیدن سرپای نظام ضد انسانی حاکم از پای نخواهد نشست.

اما این انقلاب فقط برای رهایی مردم ایران از بختک اسلامی نیست. یا حتی صرفا مایه امید و الهام مردم مناطق اسلام زده نیست. این انقلاب از دل مردم جهان سخن میگوید. در اساس، این انقلابی علیه دوره تاریکی است که با تهاجم "راست جدید" و "نظم نوین جهانی"، با "یازده سپتامبر" و عروج اسلام سیاسی، با اعلام "جنگ علیه ترور" و آتش زدن دنیا در "جنگ تروریستها" شناخته میشود. دوره ای که با مسخ انسان در مذهب و قومیت و ملیت، با تعریف رابطه با همنوع بر پایه "جنگ تمدنها"، با انکار حقوق جهانشمول انسان تحت لوای "نسبیت فرهنگی"، در واقع يك قرون وسطای "پسامدرنی" را به بشریت تحمیل کرده است. انقلاب ایران صدای "قطب سوم" علیه این قهقرای بورژوازی عصر ماست. صدایی که "آزادی، برابری، هویت انسانی" را فریاد میزند. جهان ترانه ساختند. و "ندا" قهرمان محبوب مردم جهان شد.

انقلاب ایران قبل از هر چیز ضد حکومت مذهبی و اسلامی است. عمیقا سکولار و علیه حاکمیت جهل و خرافه و آخوند است. از این لحاظ وظایف نیمه کاره یا فراموش شده انقلاب کبیر فرانسه را بنحو رادیکال پی میگیرد. با پیروزی این انقلاب، مذهب نه فقط از دولت

صفحه ۳

با ۱۶ آذر، انقلاب گام بلندی به پیش برداشت

شانزده آذر امسال یکبار دیگر بر تصمیم و عزم مستحکم مردم ایران برای خلاص شدن از شر حکومت توحش اسلامی سرمایه دارن تاکید گذاشت. شانزده آذر یکبار دیگر نشان داد که مردم ایران مصممند حکومت جنایتکار و فاسد اسلامی را به زیر بکشند و هیچ درجه از

صفحه ۱۲



کنگره ۷ حزب با موفقیت کامل به پایان رسید

قرارها و قطعنامه و گزارشات کنگره را در صفحات دیگر بخوانید



۱۶ آذر: خامنه ای و خمینی در آتش انقلاب مردم

بازتاب هفته

- * خامنه ای، دیکتاتور سال
- * "صدا و سیما" و 16 آذر!
- * خبرهای به هم پیوسته
- * آتن زیر چکمه خرابکاران
- * کشفیات علمی در مقابل انسانیت
- * حکومت دزدان و قاتلان اسلامی
- * کاظم نیکخواه
- * کیوان جاوید
- * ناصر اصغری
- * سعید پرتو
- * محمد شکوهی



ستون اول

محسن ابراهیمی

کنگره ۷ کنگره انقلاب

کنگره ۷ حزب کمونیست کارگری، عالیترین مجمع حزبی با موفقیت کامل به پایان رسید. تجمعی وسیع و پرشور و پر بحث و تصمیم با حضور تعداد وسیعی از کادرهای جنبش کمونیسم کارگری. در این کنگره، نمایندگان اعضا و کادرها از سراسر جهان و همچنین تعداد زیادی مهمان و ناظر شرکت داشتند. کنگره حزب علنی برگزار شد. در کنگره به روی عمو باز بود و همه لحظات کنگره مستقیما از طریق اینترنت در دسترس همه علاقمندان قرار گرفت.

اسناد مصوب در این کنگره، در همین شماره منتشر شده اند. اسنادی که تصویر روشنی از انقلاب جاری ایران، از زمینه های عینی و اجتماعی این انقلاب، از شرایط پیروزی، از خصلت طبقاتیش، از مضمون انسانیش، از چشم انداز اوضاع حاضر، از صف انقلاب و نیروهای ضد انقلابی در مقابل آن، از اوضاع سیاسی کردستان و وظایف ما میدهند. اسنادی که به خوبی روشن میکنند جامعه ایران برای رسیدن به يك زندگی انسانی سر به طغیان برداشته است، انقلاب عظیمی را آغاز کرده است و حزب کمونیست کارگری مصمم است نگارد این انقلاب را به شکست بکشاند، مصمم است رهبری این انقلاب برای پیروزی نهایی را تامین کند.

کنگره ۷ حزب، در مقطعی بسیار حساس و تعیین کننده از اوضاع سیاسی ایران برگزار شد. جامعه ایران در حال حاضر صحنه فعال نبردی سخت و تعیین کننده

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ستون اول

از صفحه ۱

میان دو جبهه است. در يك جبهه، جمهوری اسلامی سرمایه قرار دارد که حکم پایان حیات ننگینش توسط مردم اعلام شده است و با توسل به هر سببیت و قساوت و جنایتی میخواهد عمر خود را کمی طولانی تر کند و در جبهه مقابل، مردمی انقلابی قرار دارند که عزم جزم دارند بر ۳۰ سال فقر و تبعیض و ارتجاع و عقب ماندگی حاکم نقطه پایان



بگذارند. آری، جامعه ایران، صحنه جدالی تاریخساز میان دو جبهه ارتجاع و ترقیخواهی، استبداد و آزادی، توحش و مدنیت، اسارت و رهایی، تبعیض و برابری، ضدیت با انسان و انسانیت، و در يك کلام جبهه بربریت و جبهه سوسیالیسم است.

کنگره ۷، تجسم سیاسی و تشکیلاتی آن جنبش قدرتمندی بود که بیش از ۶ ماه است عمارت پوسیده حکومت اسلامی را به لرزه درآورده است و اخیرترین نمونه اش، يك روز بعد از پایان کنگره، در ۱۶ آذر کل جامعه ایران را بار دیگر به لرزه در آورد. در ۱۶ آذر، نبرد شور انگیز نسلی آگاه و پیشرو، نسلی آزادیخواه و برابری طلب با تجسم ارتجاع و تبعیض و خفقان و نابرابری یعنی جمهوری اسلامی بار دیگر مردم جهان را به تحسین واداشت و امید در دلای مردم زنده کرد.

کنگره ۷، عالیترین تجمع حزبی است که به جرئت میتوان گفت نماینده واقعی سیاسی این جبهه انسانیت است. در کنگره ۷، کمونیستهای پرشور و ثابت قدم دور هم جمع شده بودند تا در این روزهای حساس تاریخی، در این لحظات سرنوشت ساز نبرد میان جبهه توحش و انسانیت، مسیر آتی انقلاب جاری را مورد بحث قرار دهند و راه خود برای رهبری انقلابی برای سرنگونی نظام اسلامی و استقرار سوسیالیسم را روشنتر کنند؛ تا تلاش خود برای

پای ارتجاع و تروریسم اسلامی؛ کمونیستهایی از کشور کموناردها، در کنار هم با صدای بلند سرود انترناسیونال، سرود آزادی، برابری و سوسیالیسم خواندند.

کنگره حزب علنی بود و این کنگره علنی بی تردید توسط طیفهای زیادی دنبال شد.

این کنگره يك حزب انقلابی کمونیستی بود و من تردیدی ندارم که این کنگره را ضد انقلاب هم بدقت دنبال کرد. قطعا تعداد زیادی، از دست اندرکاران خود حکومت اسلامی گرفته تا اپوزیسیون اصلاح طلب این حکومت، اپوزیسیون که از انقلاب بیشتر از حکومت اسلامی میترسند، به مدت دو روز پای اینترنت میخ شدند تا بدانند در عالیترین مجمع يك حزب کمونیست انقلابی، يك حزب مصمم برای هدایت انقلاب به سمت رهایی از نظام طبقاتی و جمهوری خونینش چه میگذرد. انقلاب برای اینها يك کابوس دائمی است و بدون شک این حضرات، با دیدن عظمت کنگره ۷

دچار کابوسی به توان ۲ شدند. اما مهتر از این، کنگره ۷، بی تردید توسط تعداد زیادی از کارگران، زنان و جوانان و خیلی از انسانهایی که قلبشان برای آرمانهای انسانی، برای آزادی و برابری و رفاه و امنیت می طید دنبال شد. این ها نیروهای اصلی اردوی بزرگ انقلاب هستند که رهاییشان فقط در خلاصی از نظام سرمایه داری و حکومت اسلامیست است. اینها، یعنی میلیونها جوانی که عزم بر خلاصی فرهنگی دارند، میلیونها زنی که عزم دارند بر ۳۰ سال تبعیض و حقارت نقطه پایان بگذارند، میلیونها کارگری که عزم دارند برای همیشه از اختناق و دیکتاتوری و فقر رها شوند؛ با کنگره ۷ پنجره ای بزرگ بسوی رهایی کامل و زندگی انسانی دیدند. بی تردید، کنگره ۷، حزب کمونیست کارگری را بیش از پیش به قلب این انسانهای شریف برد و امید و تصمیم این انسانها را برای مبارزه پیروزمند صدچندان کرد. این انسانها، در کنگره ۷ حزب، سیمای يك حزب انقلابی، يك حزب مصمم، يك حزب قدرتمند، حزبی با کادراهی آگاه و تیزبین و توانا، حزبی مسلح به بالاترین سطح از پرنسیپهای سازمانی يك تحزب مدرن، حزبی با افکار و آرمانها و آرزوهای بلند و انسانی، و مهمتر از همه حزبی مصمم برای رهبری انقلاب تا پیروزی نهایی را دیدند. جای همه این انسانها در صف حزب کمونیست کارگری است.*

پیام از ایران به مناسبت گرامیداشت هجدهمین سالروز تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران و برگزاری کنگره هفتم

با درود فراوان
رفقا!

بیش از سه دهه است دهه است جنبش ما و حزب ما پیشاپیش کارگران، زنان، جوانان به جان آمده از حاکمیت اسلامی و برای بر پایایی دنیایی بهتر مبارزه می کنند و امروز حزب ما به مشابه يك حزب سیاسی بزرگ مدعی قدرت و دخیل در اوضاع سیاسی ایران، پرچمدار

ما اینجا در ایران و زیر تیغ جلاخان رژیم جمهوری اسلامی تمام انرژی و



تیز بینی مان معطوف به لحظه ها و دم هایی است که باید بر متن انقلاب جاری، شورانگیز ترین لحظه های رزم

زندگی مان را با چشمانی باز و تیز بین بی آغازیم و این رزم آغاز زندگی است و این زندگی هدیه رفیق منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری ایران به ما کارگران زنان و جوانان به جان آمده از حاکمیت سی سال جانیان اسلامی سرمایه است ما حزب کمونیست کارگری ایران را به

طبقه کارگر زنان جوانان و عموم توده های آزادیخواه و برابری طلب ایران و

به رفیق حمید تقوایی و تمامی اعضا و کادر های حزب تبریک می گوئیم و همه آنان را به جمع آوری کمک مالی گسترده برای حزب در سالروز بنیان گذاری آن و جا انداختن این حرکت به مثابه يك سنت همیشگی و پایدار در سالروز بنیان گذاری حزب کمونیست کارگری ایران فرا می خوانیم.

سهیل، منصور، روناک، زری، فرح و جمعی از اعضا و هواداران حزب از ایران

سرتگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ مانیفست انقلاب ایران

آموزش و پرورش کاملاً جدا میشود، بلکه هر امتیاز، قانون و سنتی که به دستگاه مذهب اجازه دخالت در زندگی اجتماعی دهد نیز لغو میگردد. مذهب تماماً به حیطه انتخاب داوطلبانه و عقیده شخصی افراد بزرگسال رانده میشود. مذهب رسمی الغاء میگردد و دست مذهب از جامعه و شئون اجتماعی کاملاً قطع میشود. بدین ترتیب برای اولین بار آزادی مذهب و لامذهبی بطور واقعی برقرار میشود. انقلاب ایران فی الحال مامشات دول اروپا و غرب با اسلام سیاسی و عقبگرد بیش‌مانه از سکولاریسم را عملاً زیر نقد کوبنده ای گرفته است. انقلاب ضد مذهبی در ایران آغاز "رنسانس نوین" در تاریخ بشر است.

آزادی های سیاسی را نمی پذیرد. هیچ مرزی بر آزادی انتقاد از "مقدسات" را برسمیت نمی شناسد. هیچ سانسور و ممیزی بر فرهنگ و هنر و ادبیات و فعالیت خلاقه انسانها را قبول نمی کند. علیه هرگونه دخالت دولت و یا هر نهاد رسمی در زندگی خصوصی، از جمله روابط و ترجیحات جنسی اعضای جامعه است. نه فقط "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، که مقوله زندانی سیاسی باید برچیده شود. این انقلابی علیه اعدام و هر مجازات بیرحمانه و یا اسلامی است. نه فقط علیه "کهریزک" است که علیه "گوانتانامو" و فرهنگ سیاسی مترادف با آن، از "شوکت ترابی" تا تبدیل شدن "تجاوز، شکنجه" به ابزار رسمی حکومت است. این انقلابی نه فقط برای "خلاصی فرهنگی" از اسلام و دیکتاتوری و هرگونه عقب ماندگی و رجوع به "فرهنگ خودی" است، که برای فرهنگی جهانی و انسانی و مدرن مبارزه میکند. از این لحاظ نزدیکترین سلف انقلاب ایران جنبش های حقوق مدنی و آزادیخواهانه دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم در آمریکا و اروپای غربی است. با این تفاوت که این انقلاب همراه مارکس از "جامعه مدنی" فراتر میرود و "جامعه انسانی یا انسانیت اجتماعی" را در افق خود قرار میدهد.

این انقلاب پاسخ کوبنده يك جامعه به فقر و تباهی کشیده شده به مفتخوران حاکم است. انقلابی است برای امحای فلاکت و بیکاری و تفاوت مدعش میان زندگی يك اقلیت میلیاردر و توده عظیم مردم محرومی که به زیر خط فقر رانده شده اند. این انقلابی نه فقط بر علیه تعویق چندین ماهه دستمزد میلیونها کارگر بلکه در اساس انقلابی است بر علیه نفس خرید و فروش نیروی خلاقه انسان و حاکمیت قوانین کور و بیرحم بازار بر زندگی انسان. این انقلابی است برای خاتمه بخشیدن به اعتیاد و تن فروشی، بی حقوقی و محرومیت کودکان کار و خیابان، بیخانمانی و افسردگی و خودکشی و دیگر مصائب ناشی از فقر که در جامعه ایران پیدای میکند. این انقلابی است برای "معیشت و

منزلت" و "زندگی حق مسلم ما است".

بدینترتیب انقلاب جاری در ایران بر سر رهایی انسان در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فکری، فرهنگی و اقتصادی است. این انقلابی علیه همه هویت های کاذب اعم از مذهبی، قومی و ملی برای انسان و نهایتاً پایان دادن به تقسیم انسانها به طبقات است. این انقلابی برای حرمت انسان، برای شادی، آزادی، رفاه و برابری همگان در برخورداری از مواهب مادی و معنوی زندگی اجتماعی است. و طبعاً انقلابی برای بازگرداندن اختیار به انسان چه در ظرفیت فردی و چه اجتماعی است. در يك کلام، چنانکه از روز نخست اعلام کردیم، این "انقلابی انسانی برای حکومت انسانی" است. بدین معنی انقلاب در ایران به تلاشهای عظیمی در تاریخ وصل میشود. از اسپارتاکوس تا ژاکوبین های انقلاب فرانسه، از کموناردهای پاریس تا کارگران پتروگراد، از شوراهای انقلاب ۵۷ تا جنبش ضد کاپیتالیستی اوایل هزاره سوم میلادی که از سیاتل تا رم وسعت داشت. انقلاب ایران در اساس علیه بردگی مدرن مزدی است که دوره آن سالهاست به سر آمده و برای حفظ خود چنین به مذهب و خرافه و شکنجه و زندان و ترور و جنگ و بمب اتم متوسل شده است. این شعار دانشجویان تهران بنیادهای انقلاب ایران را بیان میدارد: "سوسیالیسم یا بریت!"

پیروزی انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، فصل نویسی در جهان میگذشاید و تکیه گاهی برای پایان دادن به تاریخ طبقاتی و شروع تاریخ واقعی انسان خواهد بود. کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری مردم جهان را به حمایت پرشورتر و پیگیرانه تر از انقلاب و مردم ایران فرا میخواند. کنگره به زنان، جوانان و کارگران در ایران درود میفرستد و آنان را برای به پیروزی رساندن این انقلاب و تحقق مانیفست حاضر به صفوف حزب فرامیخواند.

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران
۶ دسامبر ۲۰۰۹، ۱۵ آذر ۱۳۸۸
(مانیفست انقلاب به اتفاق آراء، به تصویب نمایندگان کنگره، و به تأیید کلیه مهمانان حاضر در کنگره رسیده است)

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تشییت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹



**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**

بازتاب هفته

ویراستار:

کاظم نیکخواه

خامنه ای به عنوان "دیکتاتور سال" برگزیده شد

چهارشنبه ۹ دسامبر (۱۸ آذر) دانشگاه اسلو، آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران را به عنوان "دیکتاتور سال" برگزید.



کارشناسان حقوق بشر آقای خامنه ای را از میان ۱۱ کاندید که "کیم یونگ ایل، رهبر کره شمالی و رابرت موگابه رئیس جمهور زیمبابوه و ژنرال تان شوه فرماندار نظامی میانمار از

جمله آنها بودند، برگزیدند. جایزه دیکتاتور سال بنا به تعریف به فردی تعلق میگیرد که "طی یک سال گذشته بیشترین دشمنی را علیه مردم کشور خود و سایر کشورها به کار گرفته باشد، به درجه بالایی بر درد و رنج انسانها افزوده باشد، و زندگانی بشر را به تباهی کشانده و جنگ و عذاب خلق نموده باشد."

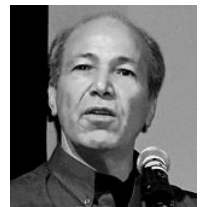
به گفته یکی از استادان دانشگاه اسلو که از بنیانگذاران این جایزه میباشد "این جایزه شکل گرفت تا به جهان یادآوری کند میلیون ها انسان از نسل کشی و شکنجه جاری در جهانی که زندگی می کنند به شکل روزانه عذاب می کشند."

دانشجویان دانشگاه اسلو در نروژ با رای دادن از طریق شبکه اینترنتی "فیس بوک" و ارگانهای رای گیری دانشگاه، آیت الله خامنه ای را انتخاب کرده اند.*

کردن عکس خمینی توسط دانشجویان امیر کبیر را بارها در بخش خبری خود نشان داد. پاره کردن و پایمال کردن عکس خمینی ادامه پاره کردن عکس خامنه ای در روز ۱۳ آبان و رژه رفتن روی آن است. این پاسخی به همه آنهاست که میخواهند دوران خمینی را به ایران بازگردانند. جوابشان همین است. ما گفتیم که در شانزده آذر انقلاب گام بلند دیگری به جلو برداشت. و یکی

از نشانه هایش همین است. اعلام ضدیت مردم با کل نظام توحش اسلامی و نه گفتن به کل جنایتکاران این حکومت و بیش از همه به بنیانگذار خمینی. تلویزیون جمهوری اسلامی دارد جنگ جناحش را به پیش میبرد تا اعلام کند که جناح مقابل ضد خمینی است. اما دوم خردادها میگویند همین عمل "صدا و سیما" به معنای اشاعه فحشاء است!... مسئولان صدا و سیما، به بهانه نشان دادن یک عمل ناشایست و منفور، خود عمل ناشایست دیگری انجام دادند که مصداق تام و تمام اشاعه فحشاء در جامعه اسلامی ایران تلقی می شود. به نظر می رسد مسئولان سیاسی این رسانه، ظرافت های اجتماعی و دقایق دینی را فراموش کرده اند که

"صدا و سیما" گزارشهای ۱۶ آذر را تکمیل کرد



کاظم نیکخواه

یکی از سایتهای دوم خردادی بنام "امروز" نوشته است که "در بخش های خبری شب گذشته (۱۷ آذر) صدا و سیما، بارها و بارها تصاویر پاره شدن عکس بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران (خمینی) در روز دانشجو به نمایش گنارده شد. به گزارش "تابناک" این تصاویر که احتمالاً توسط دوربین های صدا و سیما در دانشگاه امیر کبیر ضبط شده است، در بخش های مختلف خبری صدا و سیما پخش شد."

بله. این اقدام سبملیک و مهمی در شانزده آذر بود که در گزارشها از قلم افتاده بود و خوشبختانه تلویزیون جمهوری اسلامی گزارش شانزده آذر را تکمیل کرد و صحنه های پاره

اشاعه و نشان دادن یک عمل ناشایست در دراز مدت قبیح آن عمل را خواهد شکست و مسیر را برای ادامه این عمل توسط افراد دیگری باز می کند." و ادامه میدهد "اکنون سوال دوستداران انقلاب اسلامی این است که آیا مسئولان این رسانه مجازند برای نشان دادن ماهیت دشمنان واقعی اسلام، عریان ترین و قبیح ترین رفتار آنان علیه اسلام، نظام و ملت مسلمان ایران را در مهم ترین ساعات پخش اخبار، پخش کنند؟"

برای يك بار هم شده باید از صدا و سیما جمهوری اسلامی تشکر کرد که دل مردم منزجر از خمینی جلد و کل نظامش را با این گزارش خنک کرده است. و به دوم خردادها هم باید گفت نگران نباشید حضرات! پایمال کردن سبملهای حکومت هیچ زمان در ایران قبیحی نداشته است که بریزد. خودتان را برای دیدن این صحنه ها بطور هرروزه در خیابانهای تهران و شهرهای دیگر آماده کنید. انقلاب آمده است که جامعه را از جمهوری اسلامی و کل سبملهای منفورش برای همیشه عبور دهد.*

خبر های به هم پیوسته



کیوان جاوید

انقلاب جاری در ایران واقعا پدیده منحصر بفرد و شگفت آوری است. طی روز های اخیر نیز طوفانی که در ایران علیه رژیم اسلامی به راه افتاده است توجه و احترام رسانه ها، دولتها و بسیای از مردم را در اقصی نقاط جهان برانگیخته است. همچنین در کنار این احترام، تلاش عبثی نیز صورت می گیرد که این انقلاب انسانی مهار شده و در دایره تنگ اصلاحاتی چند محبوس گردد.

نشریه آمریکایی تایم

نام ندا آقا سلطان در میان قهرمانان برجسته سال ۲۰۰۹ در جهان انتشار یافته است. نشریه آمریکایی تایم فهرست برترین های جهان در زمینه های مختلف در سال ۲۰۰۹ را منتشر کرده است که در آن ندا آقا

سلطان که در جریان اعتراضات خیابانی به ضرب گلوله کشته شد، در دومین رده اسامی ده نفری قرار دارد که به عنوان قهرمانان جهان در این سال معرفی شده اند. در این مقاله آمده است که این دانشجوی فلسفه تقریبا به فوریت به نماد نهضت مخالفان نتیجه انتخاب مناقشه برانگیز محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران مبدل شد. به نوشته تایم، در هفته های بعد از واقعه مرگ ندا، نام او یکی از شعارهای مبارزاتی معترضان ایرانی و چهره او نماد سرکوب هزاران ایرانی به دست حکومت این کشور شد.

حزب سبزهای آلمان:

اعتراضها در ایران نشان می دهند که بحرانی که از طریق کودتا و تقلب انتخاباتی احمدی نژاد ایجاد شد، تا چه اندازه سخت و پایدار است. احمدی نژاد رئیس جمهوری قانونی ایران نیست. خشونت که با آن او و پشتیبانانش در دستگاه دولتی اپوزیسیون ایران را سرکوب می کنند، نشان می دهد که آنان در موضع تدافعی هستند. سخنگوی این حزب معتقد است: تظاهرکنندگان مسالمت جو را نمی توان متوقف کرد و انتخاباتی تازه برای ریاست جمهوری اجتنابناپذیر است. البته این فقط توهم حزب سبز های آلمان نیست که اینطور القا می کنند، بحرانی که در ایران شروع شده است با یک انتخابات و در بهترین حالت با تغییر احمدی نژاد به پایان خواهد رسید. وحشت این حزب (مبستکر کنفرانس برلین برای دوم خردادی های عزیز) از عمق انقلابی است که می رود تمام معادلات منطقه و جهان را تغییر دهد. انقلابی که محور آن انسان و زندگی انسانی است.

وزارت امور خارجه آمریکا:

ایان کلی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، با خودداری از موضع گیری مستقیم درباره "حوادث ایران" گفت که آمریکا همواره نگران سرکوب مردم معترض توسط نیروهای دولتی بوده است. آقای کلی گفت: ما معتقدیم که ادامه آزار، بازداشت خودسرانه و محکومیت قضایی افراد به خاطر شرکت در تظاهرات مسالمت آمیز... منعکس کننده یک... بی اعتنائی به آن نوع حقوقی است که در قانون اساسی ایران گنجانده شده است. "مضحک نیست؟" حقوقی که در قانون اساسی

ایران برای مردم گنجانده شده است؟ واقعا دولت آمریکا نمی داند چه در قانون اساسی گنجانده شده است؟ برای فهمیدن و درک اینکه قانون اساسی حکومت اسلامی چیست می توانند از یک نوجوان ۱۵ ساله در ایران پرسند تا واقعتا همه قوانین اسلامی را جلوی چشمان بگذارند. اما واقعتا این است که انتظار و تلاش دولت آمریکا این است که مردم تن به همان قانون اساسی بدهند که آقای موسوی وعده اش را به میلیونها جان به لب رسیده ایرانی میدهد. یعنی هیچ. یعنی بازگشت به دوران توحش خمینی.

از اینها بگذاریم و به یک چهره آشنا در ایران بپردازیم. عبدالکریم سروش:

ما نزد آیت الله خمینی رفتیم و از ایشان خواهش کردیم که اجازه دهند دانشگاه ها را هرچه زودتر باز کنیم و پس از یک سال تا یک سال و نیم، ما دانشگاه ها را باز کردیم. من بزرگ ترین خدمت را به دانشگاه ها کرده ام. خبرنگار می پرسد چرا؟ "برای اینکه ما دانشگاه ها را بازگشایی کردیم. من به همین کسانی که سوال می کنند گفته ام که شما خیلی وامدار من هستید. اگر فرزندانمان الان در دانشگاه تحصیل می کنند، ما باعث شدیم که این دانشگاه به لحاظ علمی غنی تر شود، از نظر خشونت خیلی پیراسته تر شود در حد تواناییمان و دانشگاه را بازگشایی کنیم و هر چه زودتر آن را راه بیندازیم و نگذاریم که به آن خواب ۲۰ ساله برود یا اینکه بعضی خواب هایی که کسانی برای دانشگاه ها دیده بودند، تعبیر شود. این کاری است که ما کردیم و زحماتی است که ما کشیدیم بدون اینکه ذره ای هم چشمداشت پاداش داشته باشیم". بله سروش نیز صدای بنیان کن انقلاب مردم را شنیده است. ۱۰ سال پیش سینه سپر می کرد و می گفت در دانشگاه ها چریک های فدائی و پیکار ضد انقلاب مسلحانه سنگر گرفته بودند و ما آنها را با زور بیرون کردیم. دیروز سرکوب و کشتار و تجاوز به زنان دانشجو سکوی پرش ایشان و بالا رفتن از نردبان ترقی در حکومت اسلامی بود، امروز با نزدیک شدن مرگ این حکومت سرکوب و ترور جای خود را به خدمت به دانشجویان عزیز داده است. البته آقای سروش بعد از سرنگونی رژیم اسلامی عادلانه محاکمه خواهند شد تا به خدمت ایشان در حق دانشجویان

بازتاب هفته

اعدامی و تجاوز به دانشجویان جنلی شاهپور و دیگر دانشگاه های سراسر ایران رسیدگی شود.

همه این اظهار نظر ها، همه آن جایزه دادن ها و قهرمان شدن ها بخاطر انقلابی است که تداوم دارد. ندا سمبل انقلاب جاری است، برای اینکه مردم و بویژه جوانان با شعار های کوبنده و مرگ بر دیکتاتور در مرکز مبارزه برای به زیر کشیده این حکومت جانی و ضد انسانی قرار دارند. این انقلاب همه دول غریبی را غافلگیر کرده است. تحلیل هایشان را بر هم زده است. قرار بود جامعه ایران اسلامی و مردم ایران طرفداران خامنه ای و احمدی نژاد باشند. اما مشاهده به جهانیان نشان داده است که انقلاب ایران برای رهائی از دست مذهب و برای برابری و آزادی است. انقلاب جاری نشان داد که نه قومیت، نه ملیت، که انسانیت محور جدال مردم با حکومت است.*

آتن زیر چکمه خرابکاران



ناصر اصغری

دسامبر سال ۲۰۰۸ یعنی يك سال پیش، یونان شاهد اعتراضات خیابانی وسیعی بود که توجه جهان را برای لحظاتی از بحران مالی، به خشم و اعتراض به وجود آوردگان این بحران جلب کرد. اعتراضات اولیه به قتل نوجوانی به دست پلیس آتن شروع شد و به سرعت مرز درگیری پلیس با چند نوجوان را در نوردید و با همزمان شدن فراخوان اتحادیه های کارگری و احزاب چپگرای یونان به اعتراض به کاهش مزایا و غیره با این موضوع، چهره های کاملاً زیر و رو کننده به خود گرفت. يك ماه قبل از آن هم صدها هزار نفر در چندین شهر یونان، از جمله آتن به وضعیت معیشتی خود و کاهش خدمات

این معترضین بزنند. اما با سیستمی که دائم معترض تولید می کند، جز اعتراض، چه میشود کرد! نکته ای را که باید جدا به آن فکر کرد، این است که دنیای غرق در اعتراض، به ابزار قدرتمند اعتراض نیاز دارد. به متشکل شدن و دارای افق بودن احتیاج دارد. بدون در آوردن قدرت سیاسی از دست بورژوازی، انسان معترض رها نخواهد نشد و ابزار گرفتن این قدرت سیاسی، حزب کمونیستی طبقه کارگر و متشکل شدن در این حزب است. یونان متأسفانه هنوز فاقد این ابزار است.*

استفاده از کشفیات علمی در مقابل انسانیت!



سعید پرتو

هر روزه بدلائل متفاوت شاهد بقتل رسیدن انسانهای بسیاری در سراسر جهان هستیم. گرسنگی، قحطی، شکنجه، و اعدام فقط برخی از این دلایل می باشند. البته علت مرگ بر اثر بیماریهای مختلف مخصوصاً ایدز در آفریقا را نیز باید به این دلایل اضافه کرد چرا که اگر شرکتهای بزرگ دارویی، در راس آنها شرکتهای دارویی آمریکایی، اجازه ورود داروهای مشابه و ارزان قیمت به آفریقا را میدادند، هم اکنون مرگ این قاره را تهدید نمی کرد. بر خلاف تصور مرسوم، کشفیات علمی- پزشکی نیز همیشه در خدمت انسان و زندگی نبوده و در بسیاری مواقع از آن در مقابل انسانیت و بر ضد زندگی انسانها نیز استفاده می شود. طوری که برخی از این کشفیات در دست قوانین ضد انسانی، دلایل وجودی خود را از دست میدهند. خیلی از کشفیات علمی و پزشکی که میتوانند زندگی انسان را در مقابل خطرات زیادی محافظت کنند و آرامش و امنیت به زندگی انسان به ارمغان بیاورند، معمولاً در جوامعی که سود مرکز همه چیز است به چیزی در مقابل زندگی انسانی تبدیل میشوند.

مقامات قضایی در ایالت اوهایو آمریکا اظهار داشتند که برای اولین بار يك متهم محکوم به اعدام، "کنت بیروس" را با تزریق فقط يك آمپول مرگ زا، بجای سه آمپول مرگ زا که در دیگر ایالتهای آمریکا مرسوم است، به قتل رساندند. البته این مسئله خالی از سر و صدا نبود، ولی نه از سر حفظ زندگی و مخالفت با اعدام، ماجرا از چند ماه پیش، یعنی از زمانی که اعدام کنندگان يك اعدامی دیگر به نام رومل برووم، پس از دو ساعت تلاش نتوانستند تا رگ مناسی در بدن وی برای کشتنش پیدا کنند، آغاز گردید. این مسئله منجر به تاخیر افتادن اعدام رومل برووم، و شکایت وکیل وی به دادگاه شد که هنوز نیز در جریان است.

مقامات قضایی اوهایو برای بازداشتن وکیل کنت بیروس از استناد به کیس قانونی رومل برووم، و به منظور جلوگیری از به تاخیر افتادن اعدام کنت بیروس، سریعاً با "متخصصین" علم پزشکی مشورت کرده و بسرعت به کشف جدیدی در



مجازات اعدام دست یافتند که همان استفاده از يك آمپول بجای سه آمپول مرگ زا میباشد. بدین ترتیب دستگاه قضایی اوهایو برای اولین بار در آمریکا از يك آمپول، بجای سه آمپول، برای کشتن يك متهم استفاده کرد تا وکیل کنت بیروس، و همينطور وکلای سایر محکومین به اعدام، قادر به استناد به کیس رومل برووم نبوده و از آن در توقف و یا به تاخیر انداختن اعدام سایر متهمین استفاده نکنند. اعدام کنت بیروس با روش متفاوتی از رومل برووم انجام شد و به همین دلیل چون دو کیس شبیه هم نبودند، طبق قانون نمیتوان به آن استناد کرد. به ادعای وکیل بیروس، در حقیقت مقامات قضایی اوهایو برای تسریع در اجرای حکم اعدام وی، و برای جلوگیری از به دادگاه کشیده شدن این کیس، و اتلاف وقت، این کشف جدید خود را نیز حتی طبق قوانین دیگر کشفیات علمی- پزشکی، قبلاً روی حیوانی آزمایش نکردند تا تاثیر آن را دیده و از عواقب آن آگاهی پیدا کنند. مقامات قضایی اوهایو ترجیح دادند

تا از بدن کنت، که بهرحال محکوم به مرگ بوده، و همانند يك موش آزمایشگاهی راه فراری نیز نداشته است، استفاده کرده و نتیجه را در ضمن کشته شدن کنت ببینند. با این کشف جدید، دستگاه قضایی اوهایو، و در مقیاسی بزرگتر، دستگاه قضایی آمریکا، اطمینان خاطر میدهند که تاخیری در اجرای حکم تمامی محکومین به اعدام نخواهد افتاد. تحقیق در مورد این داروی مرگزا و کشف آن در حالی است که لایحه بیمه درمانی رایگان برای همه، که بسیار محدود نیز بوده و شامل همه ارکان درمانی نیز نمی باشد، توسط لابیستهای شرکتهای بزرگ بیمه و دارویی، و همينطور بسیاری از نمایندگان سنای آمریکا بلوکه شده و اجازه تصویب به آن داده نمی شود.

لازم به تذکر است که آمریکا در سال ۲۰۰۸ پس از ایران، چین، و عربستان، رتبه چهارم را در میان کشورهای اعدام کننده نصیب خود کرده و اوپا نیز که ظاهراً با شعار "تغییر" به ریاست جمهوری آمریکا رسید، از هیچگونه "تغییر" ی در قانون اعدام سخنی سر نداده است.

ایالت اوهایو توانست با دستیابی به کشف جدیدی در صنعت اعدام، برای اولین بار با استفاده از يك آمپول، و با "موفقیت"، يك متهم محکوم به اعدام را بدون تاخیر در روز ۸ دسامبر به قتل برساند. این اولین بار نیست که دولتهای اعدام کننده دست به این گونه اعمال غیر انسانی میزنند.

صنعت اعدام صنعت شناخته شده ای در میان بسیاری از رژیمهای دارای قوانین ضد انسانی است. دستگاه قضایی در آمریکا ماه گذشته يك بیمار روانی را با وجود اثبات بیماری وی، با توسل به غیر انسانی ترین قوانین قضایی، به اتاق اعدام فرستاد. رژیم اسلامی- غیر انسانی در ایران نیز همه روزه زنان و مردان، دانشجویان و حتی کودکان را با توسل به قوانین ضد انسانی و روشهای غیر انسانی خود به جوخه های اعدام میسپرد. تمدن را میبایست به این دنیای باصطلاح متمدن بازگرداند، زندگی را باید به این دنیای سرشار از زندگی بازگرداند، انسانیت را باید به دنیا بازگرداند. انسانیت را باید در راس قوانین قرار داد.*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گزارش اصغر کریمی رئیس هیئت دیوان حزب کمونیست کارگری به کنگره هفتم حزب گزارش سیاسی تشکیلاتی



۱۴ و ۱۵ آذر ۱۳۸۸ (۶ و ۷ دسامبر ۲۰۰۹)

سه ماه قبل از شروع انقلاب در ایران، تم برنامه های کانال جدید به مناسبت اول مه، فراخوان به تظاهرات سراسری علیه جمهوری اسلامی بود. دو ماه روزی چندین ساعت روی این تم بحث کردیم و فراخوان دادیم و با استقبال مردم مواجه شدیم. بزرگترین اول مه سی سال گذشته در ایران اتفاق افتاد که فضای بسیار متفاوتی را نشان میداد. نشان میداد که جامعه در آستانه تکانی جدی قرار دارد. در همین اثنا چند روز قبل از اول مه مقدمات اعدام دلارا دارابی را فراهم میکردند. کمپین فشرده کانال جدید علیه اعدام دلارا را شاید بتوان بزرگترین و توده‌ای‌ترین کمپین حزب نام برد. احساس میکردی کل جامعه بسیج شده و یکپارچه از خشم و نفرت علیه اعدام دلارا پر شده است. آنموقع گفتیم این یک فرآیند علیه مجازات اعدام بود اما مساله از این فراتر بود. جامعه داشت خود را برای حضور میلیونی در خیابانها آماده میکرد و ما بادرست به استقبال این شرایط رفته بودیم. هرچند وقوع انقلاب آنهم به این شکل را کسی نمیتوانست پیشبینی کند.

شش هفته بعد از اول مه، خیزش توده‌ای و میلیونی مردم شروع شد. همه قطعنامه‌ها و تحلیل‌های چند سال اخیر حزب مبنی بر اینکه سیر محتمل اوضاع ایران انقلاب علیه جمهوری اسلامی است، حقانیت خود را در خیابان اثبات میکرد. تظاهرات توده‌ای و به خیابان ریختن و قصد سرنگون کردن رژیم که خیلی‌ها در توان خود نمی‌دیدند، یکباره

برای مردم عملی شده بود. جایگاه حزب را باید اینجا دید. ما بخشی از این انقلاب بودیم. در ساختن آن سهم بودیم. تنها حزبی بودیم که قطعنامه هایمان را پلنوم پشت پلنوم و کنگره بعد از کنگره تصویب کرده بودیم و برای جنگیده بودیم. بعنوان تنها حزب سیاسی از جنبش سرنگونی دفاع کرده بودیم. در مقابل جنبش های دیگر اعم از جنبش اصلاح رژیم و رژیم چپ و بحران مرزی و انقلاب مخملی و دخالت نظامی قاطعانه ایستاده بودیم و در عقب راندن آنها سهم بودیم. شخصیت‌هایی که رسانه های دست راستی غرب به خورد مردم میدادند را افشا کرده بودیم، اهدافشان را جلو چشم مردم گرفته بودیم و گفته بودیم قبول نمیکنیم.

انقلاب تحولی زیر و روکننده در رابطه مردم با حزب ایجاد کرد. روی آوری به حزب با شروع کار کانال جدید در هاتبرد وسعت گرفته بود اما این پیش درآمد روی آوری گسترده تر بدنبال انقلاب بود. انقلاب همان چیزی بود که حزب مدام ضرورتش را گفته بود و جامعه‌ای که فقط آنرا از زبان رهبران و فعالین حزب شنیده بود، طبیعی بود که به آن اعتماد کند و به آن روی بیاورد. در خارج کشور هم همین اتفاق در ابعادی محدودتر افتاد.

قبل از اینکه به عرصه های مشخص فعالیت وارد شوم میخواهم یک حقیقت مهم را اینجا تاکید کنم: ما یک پای ساختن این انقلاب و رادیکالیسم و آزادیخواهی و مدرنیسم آن و اعتبار اجتماعی بخشیدن به کمونیسم کارگری و ایده های انسانی آن بوده ایم، قطب چپ و

آزادیخواهی جامعه را نمایندگی کردیم، به آن هویت سیاسی و حزبی دادیم و علیرغم همه ایرادات و ضعف های ما که کم هم نیست و علیرغم اینکه خیلی فرصت‌ها را سوزانده ایم، به نقش خود با تمام وجود افتخار میکنیم و اقدامات تاکنونی را سکوی پرش های بزرگتر میکنیم. احزاب سیاسی معمولاً در دوره های انقلابی و یا با حضور موثر و قرار گرفتن در رهبری جنبش های اجتماعی، مهر خود را به یک دوره از تحولات میکوبند و به احزابی اجتماعی و توده‌ای تبدیل میشوند. حزب کمونیست کارگری به جرات میتوان گفت در دو سه سال گذشته چنین نقشی ایفا کرده است. جنبش های اعتراضی مهمی در جامعه جریان داشته و یا به کمک خود حزب شکل گرفته، حزب با آنها جوش خورده و خود به نیروی اجتماعی بدل شده است. این دوره باشکوه ترین دوره حیات حزب بوده است.

انقلاب جاری و سیاست حزب:

تیزترین موضعگیری حزب در این دوره، در برخورد به خیزش انقلابی ماههای گذشته بود. برخورد حزب به این جنبش منحصر به فرد بود. در مقابل جریان‌هایی که خیزش آزادیخواهانه مردم را به انتخابات نسبت دادند و گفتند اعتراضات برای جامعه مدنی است و مردم اصلاح رژیم را میخواهند، آنها که تلاش کردند ناسیونالیسم گنبدی ایرانی را به آن قالب کنند، آنها که گفتند هدف بازگشت به دوره خمینی و احیای قانون اساسی است و یا چپ‌پروستی که مبارزه عادلانه مردم را طرد کرد و میلیونها انسان آزادیخواه را طرفدار جناحی از رژیم خواند و یا چپی که با هزار تردید و ناروشنی سراغ آن رفت، حزب خیال همه را راحت کرد و آنرا بعنوان انقلاب آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم به رسمیت شناخت و قاطعانه از آن دفاع کرد. ما زمین لرزه های قبلش را دیده بودیم و با تمام قوا برای رهبری آن خیز برداشتیم. گفتیم این دوران خشم فروخته مردم است. اعتراض به حکومت آخوند و مذهب و اعدام و

زندان و شکنجه و آپارتاید و نابرابری و فقر و محرومیت اکثریت عظیم و آیت اله های میلیاردر و فساد و جنایت است، انقلابی زنانه است، انقلاب نسل جوان برای آزادی و خلاصی فرهنگی است، انقلاب کارگر علیه ستم و استثمار و بیکاری و فلاکت است، علیه اعتیاد و تن فروشی و کل منجلاب اسلامی و در یک کلام انقلابی انسانی برای حکومتی انسانی است. این اساس سیاست حزب بود. میلیونها نزن و جوان و انسانی که برای سرنگونی این حکومت به میدان آمده بودند را به موسوی و کروبی تحویل ندادیم. گفتیم انقلاب مال ما است. طول بکشد یا نکشد، شکست بخورد یا پیروز شود، مال ما است. و خوشبختانه اکثر قریب به اتفاق محافل کمونیست و چپ، کارگری و دانشجویی و فعالین حقوق زن و غیره در آن شرکت کردند و جهت درستی اتخاذ کردند.

ما بسیار خلاق، مسئولانه و هوشیارانه به این جنبش نگاه کردیم و خودمان را قوی تر کردیم. توازن قوا را تشخیص دادیم و گفتیم مردم از شکاف های بالا استفاده میکنند. گفتیم به سرعت از شعارهای اولیه و از این شخصیت‌ها و از این مراحل عبور میکنند و همینطور هم شد. موسوی و کروبی مردم را به مسجد و امازاده و شعارهای مذهبی فراخوان میدادند و ما مردم را برحذر میداشتیم و به حضور در خیابان با شعارها و مطالبات آزادیخواهانه فراخوان میدادیم. ما انگیزه های مردم از این مبارزه را مدام تبیین میکردیم و خواست های واقعی مردم را مدام تبلیغ میکردیم. در لحظه به لحظه انقلاب شرکت کردیم و همه تلاشمان را برای رهبری آن به عمل آوردیم. خواستهای دهگانه مردم را فرموله کردیم و فضا را به نفع رادیکالیسم قطبی کردیم. این جوهر سیاست کمونیستی ما بود. گفتیم این شکاف به سادگی حل نمیشود و فرجه خوبی برای پیشروی مردم فراهم شده است. همینجا لازم است اشاره کنم که حمید تقوایی در تبیین روشن از این مبارزه و در تدوین و تدقیق

تحلیل حزب شجاعانه ایستاد و نقش برجسته‌ای ایفا کرد.

کانال جدید:

در کنگره شش تصمیم گرفتیم به هات برد برویم. ۸ هفته طول کشید که روی ایر رفتیم. تردید بخاطر هزینه آن به لطف کمک بیدریغ کادرها، اعضا و دوستان و بتدریج علاقمندان کانال جدید، رفع شد. بیش از یک میلیون دلار از طریق کمک مالی و وام توسط تعدادی از رفقا و فروش برنامه، تامین شد. بدلیل نقشی که پیدا کرد روز ۲۹ ژوئیه امسال تحت فشار جمهوری اسلامی بسته شد. بعد از سه ماه از طریق کمیانی دیگری برنامه‌ها را شروع کردیم، اما سه هفته بیشتر طول نکشید و قطع شد. و اکنون نیز مشغول مذاکره با کمیانی های دیگر برای راه اندازی مجدد آن هستیم. مجموعاً دو سال و یک ماه کانال جدید ۲۴ ساعته از هاتبرد پخش شد.

تاثیرات کانال جدید بر جامعه برای هیچکس پوشیده نیست. چه برای جمهوری اسلامی که نیروی زیادی صرف خنثی کردن آن میکرد و چه برای توده های مردم. جامعه خیلی سریع نشان داد که به این کانال نیاز دارد و به گرمی از آن استقبال میکند. موقعیکه پس از ۹ ماه برنامه های زنده کانال جدید شروع شد، معلوم شد که به یک رسانه توده ای تبدیل شده است. برنامه های زنده نیز فاز دیگری موقعیت آنرا تغییر داد.

ما نوع تازه ای از تبلیغ را سازمان دادیم و پیشرفت محسوسی در تبلیغات ما بوجود آمد. تا آن زمان با این سطح از مخاطب مواجه نبودیم. باید به یک مخاطب میلیونی پاسخ میدادیم و در این کار موفق بودیم. موفقیت چشمگیر ما بخاطر رادیکالیسم و همینطور شیوه تبلیغ ما بود. ساده و زمینی، اما عمیق و کمونیستی، مربوط به زندگی و مشغله های توده وسیع مردم. در نتیجه زبان ما، نحوه استدلال، برخورد به مخالفین، انتخاب سوژه و

از صفحه ۶ گزارش اصغر کریمی ...

علیه اعدام

پاسخ به سوالات مردم با گذشتہ تفاوت داشت. این یک پیشروی در یکی از مهمترین عرصه های فعالیت کمونیستی یعنی تبلیغ و آرتیاسیون بود که باید آنرا بیشتر تئوریزه کرد. ایراد و نادقیقی هم با توجه به ساعتها بحث شفاهی و موضوعات بسیار متنوع کم نبود، گاهی کلیشه ای بود، گاهی دقیق نبود، اما نگران آن نبودیم حرکت میکردیم و ایرادات را هم رفع میکردیم.

آرتیاسیون ها به دل مردم مینشست و آنها را ساعتها طولانی پای برنامه ها میکشاند. کاملا روشن بود که توده وسیعی از مردم ساعات زیادی از روز پای برنامه های متنوع کانال جدیدند و مبلغ آن شده اند. بعد از چند ماه محسوس بود که نحوه حرف زدن بینندگان عوض شده است. میشد تشخیص داد که چه تعداد آرتیاتور سوسیالیست در میان مردم شکل گرفته است. طیف های مختلف از پیر و جوان، کارگران، زنان تا جانبازان و معتادان، از دانشجویان و استادان دانشگاه تا پزشکان و غیره جزو بینندگان برنامه ها بودند. بتدریج زنان در برنامه ها شروع به اظهار نظر بیشتر کردند و چهره برنامه ها زنانه شد.

تا این تاریخ جریانات راست کانال های اصلی رسانه ای را در انحصار خود داشتند اما پس از یکسال از شروع کار یعنی از تابستان ۲۰۰۸ این مساله به نفع ما تغییر کرد.

با شروع انقلاب، کانال جدید یک فاز دیگر جلورفت. نفوذ سیاسی اش بیشتر شد، بینندگانش بویژه در اروپا زیادتر شد و احترام به حزب افزایش یافت. یک شاخص این پیشرفت گسترش تصاعدی کمک مالی در ماههای آخر بود.

کانال جدید صرفا رسانه نبود. نقش بسیج کننده و سازمانده داشت. به کمک این کانال چند هزار نفر در این فاصله عضو حزب شدند. ابزاری برای شکل دادن به یک کمونیسم اجتماعی و دخالتگر بود، مبلغان و کمونیست های پرشوری تربیت کرد که میامدند جواب دیگران را میدادند و از حزب دفاع میکردند. شکل گیری یک حزب بزرگ را میشد از این کانال دنبال کرد.

است.

در سطح بین المللی نیز در این زمینه تاثیرات محسوسی داشتیم. کار بین المللی ما نیز دو وجه مهم داشت بسیج مردم آزادخواه در خیابان و جلسات و میتینگها و همزمان کار لابی ایستی و فشار به دولتهای غربی برای محکوم کردن و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی. اکنون عبارت اعدام قتل عمد دولتی است بدراجات زیادی از برخی سازمانها و فعالین علیه اعدام شنیده میشود.

فعالیت علیه مذهب:

یک وجه هرروزه و بسیار فشرده فعالیت ها و تبلیغات ما کوبیدن مذهب و دخالت آن در زندگی مردم بوده است. به دلیل حاکمیت یک حکومت اسلامی در ایران و سد و مانع مذهب در هر مبارزه کوچک و بزرگی، باید با مذهب درمی افتادیم و ما با افتخار اینکار را انجام داده ایم. تبلیغات ما در این زمینه رادیکال و همه جانبه بود و با استقبال وسیع و پرشور جامعه همراه بود.

تم های چندین برنامه مستقیم ما در کانال جدید تحت عنوان حکومت مذهبی نمیخواهیم نشان داد که چگونه تبلیغات یکصد ساله دشمنان مردم و دشمنان کمونیسم را به میزان زیادی خنثی و به ضد خودش تبدیل کرده ایم. از خلال تبلیغات سیاسی علیه مذهب، ماهیت طبقاتی مذهب را به مردم نشان دادیم و مردم بیشتری را با خود همراه کردیم. برنامه های ویژه ما علیه حکومت مذهبی یک رفراندوم واقعی و مهم علیه مذهب و دخالتش در حکومت بود که در جلو چشم همه و در شرایطی که حکومت اسلامی حاکم است عملی شد.

ما نه تنها جنبش و روحیه ضد مذهبی مردم را نمایندگی کردیم و عمق و وسعت بیشتری به آن دادیم بلکه اعتماد مردم هنوز آتشسته به مذهب را نیز به خود جلب کردیم و از این طریق مذهب خیلی از آنها را هم گرفتیم. مردم شریف زیادی که اعتقادات مذهبی دارند بیننده ما بودند، از نظر طبقاتی خود را در کنار ما میدیدند، انسان دوستی و آزادیخواهی ما را میدیدند و تبلیغات ما آنها را به سمت ما کشاند. این یک عرصه بسیار مهم مبارزه ما بود. جنبش ضد مذهبی

یک ستون بزرگ انقلاب را تشکیل میدهد. و ما یک پای قدرتمند و شاخص آن بودیم.

آرتیاسیون سوسیالیستی:

ما فعالیت علیه بی حقوقی ها و ستم و نابرابری در عرصه های مختلف را به دو عرصه دمکراتیک و سوسیالیستی تقسیم بندی نمیکنیم و به این تقسیم بندی قائل نیستیم. در همه این عرصه ها تبلیغات ما سوسیالیستی، ضد سرمایه داری و عمیقا انسانی است. چه آنجا که علیه فقر و بیکاری و استثمار صحبت میکنیم، چه آنجا که علیه بی حقوقی زن، علیه مذهب و حکومت مذهبی یا علیه زندان و شکنجه، بی حقوقی کودک یا اعتیاد یا تن فروشی، و یا آنجا که در مورد سیستم قضائی و نیروهای سرکوب صحبت میکنیم، مضمون و ماهیتی عمیقا سوسیالیستی را تبلیغ میکنیم و ریشه های طبقاتی آنرا میشکافیم. اینها همه عرصه های مبارزه مردم با حکومت است و در خلال این تبلیغات که مانند جنگی هرروزه درگیر آن بودیم، آگاهی

طبقاتی کارگران و توده های مردم را بالا بردیم. توده های مردم در جریان مبارزه سیاسی است که در مقیاسی ماکرو و در صورت وجود یک حزب کمونیستی که به آنها دسترسی داشته باشد آگاهی طبقاتی شان افزایش می یابد و این فاکتورها همه در ایران موجود بوده است. نه فقط از ۲۲ خرداد بلکه از قبل از آنهم مردم درگیر یک مبارزه گسترده با جمهوری اسلامی بودند. جامعه ایران جامعه آرامی نبود، در جدال با حکومت بود. از دختر و پسری که هرروز در خیابان در مقابل گله اوباش حکومت مقاومت میکردند تا کارگری که مدام دست به اعتصاب و اعتراض میزد یا معلم و دانشجویی که اعتصاب و اعتراض میکرد و بطور کلی توده های مردم که به اشکال مختلف و کمتر نهان و بیشتر آشکار علیه حکومت و کل این وضعیت انزجارشان را نشان میدادند، این آمادگی را هم داشتند که نقد سوسیالیستی به این اوضاع را بپذیرند و ما در خلال همین مبارزه و با شرکت در همین جبهه های جنگ مردم با جمهوری اسلامی نقد سوسیالیستی خود را اشاعه دادیم. نه به شکل ایدئولوژیک بلکه سیاسی، نه به شکل تجریدی بلکه بر متن

مبارزه داغ مردم در عرصه های مختلف اینکار را کردیم و به همین دلیل از موفقیت زیادی برخوردار بودیم. همین ها، کانال جدید و حزب را به جریانی مورد علاقه عموم مردم تبدیل کرد. مردم متوجه انسان دوستی و آزادیخواهی عمیق، راه حل های واقع بینانه، سازش ناپذیری و حقانیت حزب را شدند، تفاوت ما را با دیگران دیدند و خیلی ها از جریانات دیگر کنده شدند و به ما نزدیک شدند. ما راه را برای فعالیت سوسیالیستی بسیار هموارتر کردیم. کمونیسم را خوشنام و حزب را به یک نیروی بزرگی تبدیل کردیم.

تشکیلات حزب در داخل کشور:

در شرایطی که یک حکومت سرکوبگر سر کار است، بسیار دشوار است عرض و طول تشکیلات داخل کشور حزب را تشخیص داد. حتی برای دست اندرکاران کمیته سازمانده، تشخیص دقیق عملی نیست. در گزارش مربوط به کانال جدید اشاره کردم که چگونه شکل گیری یک حزب توده ای را میشد از برنامه های پخش مستقیم مشاهده کرد. علیه اعدام، علیه مذهب و حکومت مذهبی، در بحث حقوق زن، علیه اعتیاد و تن فروشی و در برنامه های مختلف دیگر کمونیست های دوآتشه زیادی خودشان را نشان میدادند. میشد دید که چگونه توسعه پیدا میکند. چگونه نسبت به مواضع حزب و یک دنیای بهتر فرموله میشود و جواب دیگران را میدهد و در واقع به کمک یک ابزار حزب و جامعه ای، حزب بزرگی شکل گرفت که دامنه اش از روستاهای کرمان و چهارمحال تا تهران و خراسان و آذربایجان و کردستان و سراسر کشور گسترده بود.

تشکیلات حزب در داخل عبارت است از تعداد زیادی محفل و جمع و شبکه که در عرصه های مختلف مشغول فعالیتند. در زمینه حقوق کودک، حقوق زن، در دانشگاهها و بویژه در محیط های کارگری و اعتراضات کارگری و در تظاهرات های خیابانی. گزارش آماری کمیته سازمانده حزب، گوشه دیگری از موفقیت تشکیلات داخل را نشان میدهد. طبق گزارش کمیته سازمانده، در فاصله دو کنگره بیش از ۱۰۱۰ جمع کوچک و بزرگ تقاضای عضویت کردند که بدلیل

از صفحه ۷ گزارش اصغر کریمی ...

شرایط خفقان، عرض و طول این جمعها بدقت روشن نیست. شاید چند مثال، تصویری از این مساله بدهد. همین هفته قبل يك جمع به آمار کمیته سازمانده اضافه شد. آنها را دوراورد میشناختیم اما تماسی با آنها نداشتیم. با دو کادر خوب از این جمع صحبت کردیم. گفتند ۷۰، ۸۰ خانواده هستیم که در تعدادی جمع های کوچکتر مطالعه میکنیم و بر سر مسائل مربوط به کمونیسم و مذهب و زن و انقلاب بحث میکنیم و با هم در تظاهرات ها شرکت میکنیم و شعارها را رادیکال میکنیم و درمقابل شعارهای نادرست می ایستیم. این یکی از جمعها است. سایر جمعها هم از دو و سه تا ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و بعضا بیشتر گزارش شده است. بعضا از طریق رفقای که به خارج میاند تصویر ما از جمعها و فعالیت آنها روشن تر میشود. یکی از کادرهای حزب در تابستان امسال در گزارشی اطلاع داد در سفری که به یکی از استان های کشور داشتم حدود صد رفیق حزبی را در چند شهر برای اولین بار ملاقات کردم همه با روحیه خیلی بالا و بدون اینکه ترسی داشته باشند درمورد حزب بحث میکردند. تعدادی هم اطراف هرکدام از آنها بود. رفیقی میگوید اینقدر آدم دورمان جمع شده که نمیدانیم چگونه آنها را سازمان بدهیم. جمع های زیادی هستند که جاهائی سر و کله شان پیدا میشود میبینیم که مثلا ۲۰ نفرند باهم برنامه ها را میبینند و بحث های داغی بین آنها جریان دارد اما تماسی با حزب ندارند. از این مثال ها زیاد است. کمیته سازمانده تصویر دقیقتری از تشکیلات دارد اما همانطور که اشاره کردم بدلائل امنیتی مجبورم سرریسته توضیح بدهم.

بحث راهگشای حمید تقوایی در پلنوم ۳۰ در یکسال و نیم قبل، مبنی بر اینکه حزب را محور قرار دهیم و از مردم بخواهیم به حزب پیوندند، جهشی در عضوگیری حزب به وجود آورد. از آن تاریخ تا کنون بطور متوسط ماهی ۶۰ جمع کوچک و بزرگ برای عضویت تماس گرفته اند. طبق این گزارشات، ۳۵ درصد مرتبترین تازه از تهران هستند و مجموعا در ۱۶ استان جمع های حزبی با کمیته سازمانده ارتباط

دارند. از دور افتاده ترین شهرها و حتی از دهات سیستان بلوچستان عضو شده اند. چند هزار نفری که در این ۱۰۱۰ جمع هستند کسر کوچکی از تشکیلات واقعی حزب در ایران هستند. در میان آنها از سمپاتهای دور تا کادرها و مبلغان و مرجعین حزب حضور دارند. در مجموع آمارهای کمیته سازمانده و حمایت پرشور مردم از حزب و کمپین هایش در کانال جدید ضربدر شواهد و تحلیل ها است که تشکیلات داخل حزب را توصیف میکند.

رفقای داخل بسیار خوش بینند و روحیه بالائی دارند. درمورد کانال جدید خیلی جاها علنی بحث میشود و درمورد حزب نیز سریع اعتماد میکنند و بحث میکنند. گزارش رفقای داخل میگوید که کانال جدید راه را برای آنها هموار کرده و انقلاب ترسها را از بین برده است و آنها با موجی از روی آوری به حزب مواجهند.

بافت تشکیلات بسیار اجتماعی و متفاوت از گذشته است. بعضا اعضای يك خانواده یعنی پدر و مادر و فرزندان، یا چند خواهر و برادر با هم عضو میشوند. تعداد قابل توجهی از زنان عضو حزب شده اند. از زنی که مورد تجاوز قرار گرفته تا مادر و دختری که با هم اعلامیه پخش میکنند و شعارنویسی میکنند، از کارگر کارخانه و کارگر بیکار تا دانشجو و معلم و پرستار و جانباز و جوان و زن و مرد، ترکیب اعضای جدید حزب را تشکیل میدهند. تعداد کسانی که خود را مسلمان و مذهبی میدانند و یا گرایش ناسیونالیستی دارند و عضو حزب شده اند هم کم نیست. البته ناسیونالیسم و مذهب در این طیف از رفقا نه عمق دارد نه ایدئولوژیک است. اینها اغلب کمونیست های دو آتشی ای هستند که این پوسته ها را به راحتی کنار میزنند.

نقطه ضعف بافت جدید حزب فقدان مطالعه و سابقه کار تشکیلاتی و حزبی است. نیاز به آموزش حیاتی شده و در ماههای اخیر تعدادی جمع مطالعاتی تشکیل شده است. برنامه حزب، کمونیسم و مذهب و مساله زن از جمله مباحث این جمع ها است. تکثیر نشریات، اطلاعاتیه ها و جزوات حزبی، تکثیر نوار سخنرانی

ها و برنامه های تلویزیونی يك عرصه رو برشد فعالیت حزب در این دوره بوده است. از جمله جزوه این حزب شماس از منصور حکمت را قبلا یکی از جمع ها ۱۲۰۰ نسخه و جمع دیگری کتاب کاپیتال ترجمه جمشید هادیان را در هزار نسخه تکثیر و پخش کرده است. یکی از جمع ها ده هزار نسخه از ده خواست فوری را تکثیر و پخش کرد.

کمبود کادر بویژه در بافت تازه حزب يك معضل جدی است. برخی از این جمع ها بخاطر نداشتن مروج و سازمانده بعد از مدتی وامیروند. روحیه شان بالا و پائین میرود. به این دلیل بعضا بی دوام هستند. تماسشان قطع میشود و بعد از چندماه دوباره سر و کله شان پیدا میشود. يك محور فعالیت ما ارتقای اعضائی است که زمینه کادر شدن دارند، تشویق آنها به مطالعه، رابطه نزدیک با آنها آقدر که شرایط امنیتی اجازه میدهد، رفع گیر و گرفتها و ارتقاء فعالیت آنها. البته همانطور که اشاره کردم کانال جدید تعداد قابل توجهی سازمانده و مبلغ سوسیالیست و در واقع تعداد قابل توجهی کادر حزب پرورش داده است. بافت تشکیلاتی که با کمیته سازمانده تماس دارد اساسا کارگری است و اساس فعالیتش در محیط های کارگری است. متاسفانه بدلائل امنیتی از اسامی مراکز کارگری، اعتصابات و اعتراضاتی که نقش مستقیم داشتیم، و سایر جنبه های این عرصه از فعالیت چیز زیادی اینجا نمیتوان گفت. يك مثال شاید بدرجائی موقعیت ما را بیان کند.

یکی از فرماندهان سرکوب در یکی از تجمعات اعتراضی یکی از کارخانه ها به کارگران میگوید دستزدتان را بروید از شهلا دانشفر بگیرید. در محیط های دانشجویی در این دوره پیشرفت امیدبخشی را شاهد هستیم. در عرصه جنبش آزادی زن، نقش ملموسی داشتیم. به زنان اعتماد بنفس دادیم. مباحث زیادی را به درون خانواده ها بردیم. از هشت مارس امسال درصد زنانی که به کانال جدید زنگ میزنند جهش پیدا کرد و چهره کانال جدید زنانه شد. در جمعها و محافل حزبی، زن و مرد در جلسات شرکت میکنند و بحث میکنند و يك تم داغ در میان آنها حول مساله زن است. سیاست رادیکال و ضدمذهب حزب و وجود

چهره های بین المللی و شناخته شده حزب در این زمینه، نقش مهمی ایفا کرده است. اما از نظر ایجاد کانون ها و تشکل های ویژه مساله زن و طرح مباحث مربوط به این عرصه در داخل موقعیت ضعیفی داریم، نیروی زیادی است که نه برایش نشریه ای داشته ایم و نه ابزارهای مناسبی را در دستورش گذاشته ایم. و این از زاویه تاثیر بر بخش فعال و پیشرو در این زمینه حیاتی است. در برخورد به انقلاب، خیلی از رفقای ما پرشور شرکت کردند، شعارها را رادیکال تر کردند و مقابل هواداران رژیم و موسوی و اله اکبر ایستادند و مطالبات و شعارهای حزب را تبلیغ کردند. وجه دیگر کار ما سازماندهی تظاهرات در محلات و ایجاد هسته های محلی برای رهبری اعتراضات بود که در برخی محلات عملی شد و تاثیرات خوبی بر تداوم فضای اعتراضی گذاشت. خلاصه کنم، نیروی زیادی دور حزب جمع شده است. جنب و جوش زیادی حول حزب در داخل جریان دارد و جنب و جوش زیادی برای فعالیت با حزب دیده میشود و عملا نوعی تمرکز در تشکیلات حزب در داخل ایجاد شده است. اما هنوز هم کسی را به کسی وصل نمیکنیم و تشکیلات خوشه ای درست نمیکنیم. اما خیلی از جمعها عملا به يك خوشه تبدیل شده اند. اخیرا پلاتفرمی را برای پاسخگویی به این وضعیت تصویب کردیم که راهگشای تشکیلات داخل خواهد بود و يك قدم موثر آنرا به يك تشکیلات دارای تقسیم کار و ضبط و ربط دار نزدیک تر خواهد کرد.

اینجا جای صدها کادر و مبلغ و سازمانده حزب که نتوانستند در این نشست مهم شرکت کنند خالی است. متاسفانه مسائل امنیتی محدودیت زیادی به آنها تحمیل میکند. آنها نمیتوانند با اسم و رسم خود را به جامعه و به صفوف حزب معرفی کنند و به این خاطر حتی به خیلی از آنها برای نماینده شدن نتوانستیم رای بدهیم. اینها در جنبش کارگری، در میان جوانان، دانشجویان، زنان و معلمان و در دل جامعه حضور فعال دارند و کارهای ارزشمندی در شرایط پر از خطر به پیش میبرند. همینجا اجازه دهید از جانب حاضرین در کنگره از تک تک این رفقا صمیمانه قدردانی کنیم و آنها را در آغوش بگیریم.

فعالیت حزب در خارج کشور:

کافی است هر هفته و یا هرروز سری به سایت های حزب بزنید تا فعالیت بی وقفه تشکیلات خارج و کادرها و چهره ها و کمپینهایش را در عرصه های مختلف و در کشورهای مختلف ببینید. علیه جمهوری اسلامی، علیه اسلام سیاسی، علیه اعدام، علیه بیحقوقی کارگران، علیه بیحقوقی زنان، علیه سازش دول غرب با جمهوری اسلامی و علیه رسانه هائی که دائما تصویر وارونه از اوضاع ایران به مردم میدهند، علیه حضور مقامات رژیم در خارج و در همبستگی و جلب حمایت افکار عمومی از مبارزه مردم ایران. این فعالیت ها توسط واحدهای حزب یا کمپین ها و نهادهائی که به ابتکار حزب ایجاد شده است و یا توسط چهره های سرشناس حزب به پیش میرود. از حضور هرساله در کنفرانس سازمان جهانی کار تا مقابله با حضور مقامات رژیم در خارج، از مقابله با اسلام سیاسی و قوانین شریعه تا فعالیت علیه اعدام، از شکایت به دادگاه لاهه تا جلب حمایت سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسان برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی، از فعالیت لابی ایستی و غیره عرصه های متنوع فعالیت حزب در خارج را تشکیل میدهد.

از مقطع انقلاب تاکنون تشکیلات خارج کشور تحرك فوق العاده بیشتری از خود نشان داده است. حضور جنبش سرنگونی طلب و چپ انقلابی را در مقابل جنبش ها و احزاب و گرایشات سازشکار تقویت کرده است و يك پای ثابت و موثر در سازماندهی آکسیون های مختلف در شهرها و کشورهای مختلف، از جمله يك پای موثر اقدام مهم در اشغال سفارت سوئد بوده است. در ماههای گذشته روی آوری به حزب و عضویت در حزب سیر صعودی داشته و دهها نفر بویژه جوانان عضو حزب شده اند و زمینه ایجاد واحدهای تازه ای فراهم شده است. اما چندین برابر این تعداد کسانی بودند که به حزب نزدیک شدند، اما ضعف ساختارهای حزبی، نداشتن پاتوق ها و مکانهای برای گردمائی و ضعف های دیگر سازمانی، بسیاری از این فرصت ها را برای جذب و ارتقای آنها از دست داد.

انتشارات حزب که برای مدتی

از صفحه ۸ گزارش اصغر کریمی ...

نافعال شده بود به همت منصور فرزند جزواتی را به چاپ رسانده است. بویژه با توجه به روی آوری بیشتر به حزب در ماههای گذشته و نیاز طیف جدید به شناخت بیشتر از حزب و کمونیسم کارگری، باید اهمیت بیشتری به فعال کردن انتشارات داد.

یک ضعف مهم تشکیلات فونکسیون برای گردهمایی دائم اعضا و کادرها و دوستانداران حزب است. پاتوق های حزب یکی از مهمترین ظروف حزب برای سر حال نگهداشتن واحد حزب و اعضای حزب، همفکری و هم جہتی و فعال نگهداشتن تشکیلات، رابطه مستمر با دوستان و هواداران حزب و به سوالات آنها جواب دادن و کتاب و نشریه به آنها دادن و ارتقاء آنها است. راه و روش کار با جنبش های توده ای، و مسلط نبودن شیوه های کار مدرن یک ضعف دیگر تشکیلات ما در خارج کشور است و همین باعث سوختن بسیاری از فرصت ها برای قرار گرفتن در راس تظاهرات های توده ای در خارج کشور شده است.

همینجا باید به جنبه دیگری از فعالیت ارزشمند حزب و کادرهای حزب نیز اشاره کرد. در ایندوره مردمی که از ایران و ترکیه و هند و پاکستان تا کشورهای اروپائی به فدراسیون و عبدالله اسدی و سایر مسئولین فدراسیون برای پیشرفت کار پناهندگی شان و دیپورت نشدن به ایران مراجعه میکنند بسیار بیشتر و متنوع تر شده است. تعداد زیادی در فاصله بین دو کنگره توسط رفقای ما از دیپورت به ایران نجات یافته اند. متأسفانه علیرغم نیاز به گسترش فعالیت فدراسیون در خیلی از کشورها، مراجعه و روی آوری زیاد و زمینه از همیشه آماده تری که وجود دارد، برخی واحدهای آن تضعیف شده یا از بین رفته است. حزب باید به این نهاد که به کار ارزشمند انسانی و سیاسی بزرگی مشغول است و به رشد و گسترش آن که برای نجات تعداد هرچه بیشتری از پناهندگان ایرانی بیش از هر زمان ضروری شده است صمیمانه کمک کند تا واحدهایش را بازسازی کند.

یک پیشرفت، یک تناقض:

دو مثال فعالیت حزب در آلمان و انگیس، هم پیشرفت مهمی را و هم

تناقض بزرگی را در فعالیت تشکیلات خارج کشور حزب نشان میدهد. اینطور به نظر میرسد که فعالیت حزب در این دو کشور بسیار افت کرده است و از جهاتی هم این واقعیت دارد. اما از زوایای خاصی فعالیت و حضور حزب و سیاست هایش از تمام دوران فعالیت حزب بیشتر بوده است. در یکسال گذشته سه میتینگ، راهپیمائی و کنفرانس سطح بالا و مدرن در انگلیس توسط نهادهای مختلف به سرپرستی مریم نمازی سازمان داده شد که در هر کدام از آنها صدها نفر و از جمله بزرگترین نهادهای سکولار و انساندوست و سرشناس ترین چهره های سکولار و مدافع حقوق انسان شرکت کردند، چیزی که در فعالیت ما دیده نمیشد.

حضور ما در رسانه های انگلیس و رابطه ما با شخصیت ها و سازمانها و نهادهای مدافع سکولاریسم و حقوق انسان و غیره قابل مقایسه با هیچ دوره از فعالیت حزب نبوده است. اکنون چهار ماه است که در مرکز شهر لندن همبستگی با مردم ایران انجام میشود یعنی ۱۲۵ روز پیوسته فعالیتهای حزبی و غیر حزبی یکی از پلاتفرمهای حزب را در خیابان عملی کرده اند که اینهم سابقه نداشته است. این سبک و روش جدیدی را مقابل حزب قرار داده است. در آلمان نیز فعالیت هائی که توسط مینا احدی انجام میشود از سخنرانی ها و حضور در رسانه ها تا رابطه محکمی که با بسیاری از شخصیت های چپ و سرشناس و نهادهای سازمانهای ضدمذهب و انساندوست و غیره ایجاد شده است، با تمام ۲۰ سال قبل آن قابل مقایسه نیست. مینا احدی و مریم نمازی را همه این نهادها و رسانه ها بعنوان کمونیست و عضو دفتر سیاسی حزب میشناسند و روز به روز استقبال بیشتری از آنها میکنند. این فعالیت ها مستقیماً حزبی نیست اما مکانیزم اجتماعی و کانال اصلی بسیج توده ای افکار عمومی در حمایت از مردم ایران و علیه جنبش ها و گرایشهای دیگر است. بعلاوه حجم زیادی تبلیغات سوسیالیستی حول مسئل مختلف روی نگرش خیلی از شخصیت ها و نهادهای سکولار و اومانیست تاثیر گذاشته و از این مجرا دید آنها نسبت به کمونیسم ما عوض شده است.

علیرغم این هنوز این فعالیت ها به عنوان فعالیت حزب به رسمیت شناخته نمیشود. رابطه واحدهای حزب با این نوع فعالیت ها و رابطه مسئولین این فعالیت ها با واحدها و رهبری حزب باید روشن تر تعریف شود.

فعالیت حزب

در سطح بین المللی:

با شروع انقلاب موج همبستگی جهانی با مردم ایران جهشی عظیم کرد و مساله ایران که قبل تر با مسائلی مثل اتمی و تروریسم و خاور میانه و حداکثر حقوق بشر تداعی میشد امروز با مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و زندان و شکنجه و تجاوز تداعی میشود. ذهنیت افکار عمومی به تصویری که ما سالها برایش تلاش میکردیم نزدیک شده است. هرچا نهادهای نزدیک به حزب و چهره های شناخته شده حزب کمپینی سازمان داده اند، تعداد قابل توجهی از سکولارها و روشنفکران شناخته شده اومانیست و آنتیست و فعالین نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسان با آنها همراهی کرده و علیه دخالت مذهب و اسلام سیاسی در زندگی مردم حرف زده اند و خود نیز رادیکال تر شده اند. ما در آستانه جهش بزرگی از بسیج افکار عمومی در همبستگی با مبارزه مردم ایران و پیگیری سیاست های حزب مبنی بر انزوا بین المللی رژیم، بستن سفارتها و مراکز رژیم در خارج، افشای لابی ها و چهره های دو خردادی و رسانه ها و احزاب و دولی که آنها را لانس میکنند و مقابله با اسلام سیاسی، قرار گرفته ایم. وقت ایجاد نهادهای بزرگ با مشارکت مردم شریف این کشورها و وقت کمپین های قدرتمند و همبستگی های بزرگ و توده ای فرارسیده است. ما نسبت به جنبش های دیگر در موقعیت خوبی هستیم اما احتیاج به نقشه و ظرف های مناسب و تعریف شده داریم. از جمله، کمپین ها و نهادهای مختلف نزدیک به حزب باید سیاست متمرکز را حول شکل دادن به جنبش همبستگی با مردم ایران به پیش ببرند. از نظر سبک کار، کمپین های سیاسی تبلیغی باید جای خود را به مجموعه ای از کمپین های سیاسی و اقدامات سازمانگرا، به درگیر کردن و دخالت دادن و فعال کردن تعداد زیادی از علاقمندان به همبستگی با مردم ایران و ایجاد

نهاد و سازمان بدهد. در این زمینه نقش چهره هائی که پیشقدم این فعالیت ها بشوند تعیین کننده است. در ماههای اخیر سوالات زیادی حول مسائل ایران و راه حل و آلترناتیو در مقابل رفقای ما گذاشته میشود. این راه را برای بحث مستقیم در مورد قدرت سیاسی و ضرورت حمایت از حزب و سیاست ها و پلاتفرم های حزب فراهم میکند. شرایط ایران فضای خارج را به مساله سرنگونی جمهوری اسلامی و ضرورت حمایت از مبارزه مردم ایران و مساله قدرت سیاسی کشانده است. این موضوع مهمی است و حزب و کمیته ارتباطات بین المللی و چهره های شناخته شده حزب که در این عرصه فعالند باید به استقبال این شرایط بروند.

اینترنت:

نسل امروز نسل فیس بوک و تویتر است. حزب در این زمینه پیشرفت هائی کرده است اما کار زیادی هنوز در این زمینه نکرده ایم. حرفه ای تر کردن سایتها، استفاده بیشتر از فیس بوک، استفاده از تکنیک های پیشرفته تر و بسیج نیروی بیشتر و این کاری است که اساساً از نسل جوان ساخته است و نسل جوان را باید در این عرصه سازمان داد.

مالی:

بیش از یک میلیون و سیصد هزار دلار هزینه حزب و کانال جدید در فاصله دو کنگره بوده است. هیچکس باورش نمیشود که چطور از پس چنین هزینه ای برآمده ایم. جا دارد از تک تک دوستانی که از ایران و از خارج کشور از ده دلار و بیست یورو و صد کرون و پنجاه کرون تا ده و پانزده هزار یورو و دلار و هرچه توانستند در اختیار حزب گذاشتند و از تعداد قابل توجهی که تعهد پنجهزار دلاری و بیست هزار دلاری دادند و عملی کردند عمیقاً قدردانی شود. اجازه بدهید از میان تعداد زیادی از رفقا از بهمن خانی و فرشته مرادی، مصطفی صابر، سیروس ارجمند و بهرام سروش بخاطر کمک های بسیار سخاوتمندانه شان اسم ببرم و تشکر کنم. همینطور از کمیته مالی حزب در سوئد و همکاران آن رفقا کاوش مهران، فریده آرمان، آذر پویا، حسن صالحی، افسانه وحدت، فاضل نادری، زرگار روشن، سیما بهاری، مهین علیپور و سوسن

صابری بخاطر کار فشرده آنها برای تامین بخش قابل توجهی از هزینه های حزب قدردانی شود که اگر این منبع نبود کانال جدیدی دو سال دوام نمیآورد. و همینطور رفقای که با گرفتن وام های قابل توجه که بعضاً بهره آنها هم خود به عهده گرفتند از جمله عباس محمدی، مصطفی صابر، محمد امیری، رحیم یزدانپرست، آذر پویا و هوشیار سروش و فریده آرمان، باید مورد قدردانی قرار گیرند که بدون آن کانال جدید شروع نمیشد.

چند نکته دیگر را هم لازم است اشاره کنم:

ماهی ۵۰ تا ۶۰ هزار دلار هزینه ماهانه برای حزبی با این وسعت، رقم بسیار پائینی است و این باعث میشود که زیر ظرفیت کار کند و سراغ خیلی از پروژه ها نرود.

نیروی بسیار کمی برای تامین مالی حزب سازمان داده شده است.

حق عضویت ها که یکی از منابع مالی حزب بوده است باید بسیار جدی گرفته شود. بخشی از حق عضویت ها وصول نمیشود و این باید جدی گرفته شود.

حزب به یک سازمان مالی بزرگ و جدی نیاز دارد و باید تعداد خیلی بیشتری از اعضا و کادرها را در این عرصه سازمان دهد.

ضعف ها و موانع:

قبل از اینکه به ضعف ها و انتقادات بپردازم، اشاره کنم که همانطور که متوجه شدید بدلیل ضیق وقت حتی نتوانستم به خیلی از فعالیت ها و ارگانهای حزب اشاره کنم. فعالیت های حزب بسیار متنوع و گسترده است و اینجا حتی اشاره به همه آنها هم ممکن نیست.

ضعف و ایراد در کار ما زیاد است. مهمترین ضعف ما در این دوره لنگ زدن در کار توده ای و ضعف در کار با جامعه بوده است. بعضاً کتابی بودن، رفتن به قسمت گود استخر و کار در صحنه وسیع سیاست، قرار نگرفتن در موضع نماینده سیاسی مردم ایران و دولت آتی، باور نکردن به این انقلاب و اینکه شروع این انقلاب یعنی موسم تعرض و نیرو گیری ما است و در همین راستا عروج تعداد قابل توجهی از چهره های حزب، قلم زدن و سخنرانی کردن و جواب این و آنرا دادن و در سطح بین المللی نمایندگی

از صفحه ۹ گزارش اصغر کریمی ...

قرار در مورد شعار جمهوری انسانی

نه خط و افق و قطعنامه دادن و تدقیق مباحث امکانپذیر، نه حضور فعال آکسیونی، نه از پول، نه از کانال جدید و نه دخالتگری در عرصه های مختلف مبارزه. برای هر کمونیست و انسان شریفی که رسالتی برای خود قائل است ارزش حزب و سازمان بیشتر خود را نشان داد و برای ما کادرها و اعضای حزب این دوره باید الهام بخش دست بالا کردن و مسئولیت گرفتن و ساختن ارگانهای مختلف حزب برای یک فعالیت بسیار قدرتمندتر در همه زمینه ها باشد.

بعنوان یک جمعبندی:

علیرغم نارضایتی ما از پیشرفت کارها، فعالیت های حزب کمونیست کارگری برای تک تک اعضا، کادرها و دستداران این حزب غرورانگیز است. به تک تک فعالین حزب، اعضا و کادری های حزب، که در شهرهای ایران برای تقویت حزب تلاش کرده اند، فعالیتی را سازمان داده اند، کتابی چاپ و پخش کرده اند یا عضو جدیدی به حزب جذب کرده اند، خبرنگاری کرده و یا پلاتفرم های حزب را عملی کرده اند، شعاری نوشته اند یا اعلامیه ای پخش کرده اند و تک تک فعالین حزب در خارج کشور که مدام در این خیابان و آن خیابان و یا این میتینگ و آن میتینگ مشغول فعالیت بوده اند، کمپینی را پیش برده اند، سایتی را اداره کرده اند، کلیپی ساخته اند، چیزی ترجمه کرده اند، جزوه ای چاپ کرده اند، پاتوقی راه انداخته اند، پولی برای حزب در آورده اند، جواب کسی را داده اند، استودیوهایی را اداره کرده اند و یا در عرصه ای و به هر درجه ای تلاش کرده اند، باید مدال داد و از تک تک آنها قدردانی کرد. به یمن مجموعه این فعالیت ها امروز حزب و کمونیسم کارگری به نیروی معتبر در ایران تبدیل شده و در آستانه جهشی بزرگ در رهبری انقلاب قرار گرفته است.

همه ما میدانیم که هیچگاه نمیخواهیم در هیچ نقطه ای ثابت بمانیم حتی اگر هیچ ایرادی در کار این دوره نمیدیدیم. میدانیم که کارهای بزرگتر پیش روی ما است نه پشت سر ما. ما امید واقعی برای پیروزی این انقلاب هستیم، باید ضعف ها را با سرعت مرتفع کنیم و به رهبر مسلم طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و به رهبر مسلم انقلاب تبدیل شویم. در فاصله دو کنگره

نظری علیه جنبش ها و جریانات مختلف. همینطور رهبری حزب داتما باید با برخوردی نقادانه به کار حزب در عرصه های مختلف به کار کادرها افق بدهد و آنها را برای حل معضلات بسیج کند. ضعف ها را باید مدام دید و با برخوردی نقادانه برجسته کرد تا حلش کرد. این در کار ما بطور ناموجهی کمرنگ است. نکته مهم دیگر دوز سازمانگری کم در نگرش پراتیکی ما در اکثر عرصه های فعالیت است که ادامه کاری، رشد و گسترش فعالیت های حزب و کادر پروری را ضعیف میکنند. در واحدهای حزب، در نهادهای نزدیک به حزب و در کار و فعالیت روزمره کمپینهای حزب روحیه سازمان دادن ضعیف است. نه تنها اعضای حزب بلکه مردم زیادی پیرامون ما هستند که حاضرند در عرصه ای سازمان داده شوند و شروع به کار کنند و گوشه ای از اهداف و سیاست های حزب را به پیش ببرند. ظرف نیوسازیم و برنامه ای برای جذب و سازمان دادن مردم نداریم. البته جاهاتی و بدرجاتی بر این ضعف غلبه کرده ایم اما این نه همه جانبه بوده است و نه روحیه حاکم بر همه عرصه ها چنین است.

در حال حاضر در عرصه های مختلف احتیاج به کادرهایی داریم که بلافاصله در فردای کنگره فعالیت ها را توسعه دهیم. سایتیهای ما درجا زده اند و نیرو میخوانند، در عرصه بین المللی، در مقابل اسلام سیاسی و در جلب همبستگی با مبارزه مردم ایران، در زمینه ترجمه، کمپین علیه اعدام، فراسیون، مالی، انتشارات، تبلیغات کتبی، تلویزیون، کمیته سازمانده حزب در ایران، تشکیلات خارج کشور در سطح رهبری و در سطح کشورها و شهرها، در نوشتن و نقد هرروزه جنبش ها و جریانات مختلف، باید دهها کادر حزب قدم جلو بگذارند و سرعت جای خود را پیدا کنند. یک حزب محکم و منضبط با مکانیزم های جا افتاده نیاز حیاتی ما است. و کادرها باید برای رفع این موانع و این کمبودها شریک و هم افق شوند تا این فاز سرعت پشت سر گذاشته شود.

حضور قدرتمند حزب در این دوره یک حقیقت مهم را هم به همه نشان داد و آن حزب و حزبیت است. بدون حزب به اینهمه فعالیت ممکن بود،

این انقلاب را کردن و در داخل با توجه به محدودیت های امنیتی به اشکال دیگری در این اشل ظاهر شدن. ظرفیت ما بسیار بیش از این بود و حزب را باید بسیار بیش از این میساختیم. در گزارش به کنگره قبل بر چند ضعف مهم و بر چند محور فعالیت برای دور آتی تاکید شد: ضرورت نقد پیگیر و دائمی جنبش ها و جریانات و گرایشات مختلف، پرورش کادر در سطوح مختلف و از جمله در سطح رهبری و شریک کردن تعداد هرچه بیشتری از کادری های حزب در هدایت روزمره فعالیت مرکزی حزب، بازبینی سیاست تشکیلاتی در داخل برای رشد سریعتر حزب و اختصاص نیروی بیشتر به کمیته های سازمانده، کردستان و جوانان، مالی و تلویزیون.

در این زمینه در حالیکه در برخی زمینه ها بهبود نسبی داشته ایم، برخی ضعف ها هنوز دست نخورده باقی مانده است. در زمینه نقد روزمره جریانات و احزاب و خط و خطوط سایر جریانات اپوزیسیون بهبود چشمگیری در فعالیت حزب ایجاد شده است، اما هنوز نباید احساس رضایت کنیم. این همانطور که بارها تاکید شده بر پیشرفت حزب در زمینه کادپروری هم تاثیر مستقیم دارد. افکار و عقاید عقب مانده در میان مردم نسبت به اعدام، مذهب، سنت ها و اخلاقیات مردسالار و ضدزن و رفتار عقب مانده نسبت به کودکان را نقد کرده ایم و در مقیاسی اجتماعی تغییراتی ایجاد کرده ایم. در برخورد به انقلاب ما خط و سیاست منحصر به فرد خود را داشتیم و متناسب با این کم و بیش جریانات مقابل و منتقد خود را و قبل از همه جریانات اصلاح طلب حکومتی را در ابعادی اجتماعی نقد کردیم و خودمان را در مقابل آنها در بعدی اجتماعی تقویت کردیم. این البته مطلقا به معنی رضایت در این عرصه نیست.

پرورش کادر، هم به دیدگاه سازمانگرا نه حزب بستگی دارد از جمله پروژه و مسئولیت سپردن به کادرها، دیدن دائم ظرفیت ها و ارتقای آنها و تقویت این دیدگاه در تمام سطوح حزب، تماس فشرده با کادرها و آموزش و غیره و هم به باز کردن دائم جبهه های مبارزه سیاسی

از آنجا که
۱- اساس سوسیالیسم انسان و بازگرداندن اختیار به انسان است.
۲- جامعه سوسیالیستی، بر خلاف سرمایه داری و دیگر نظامهای طبقاتی در طول تاریخ، نظامی است که بر پاسداری از انسانیت، حفظ حرمت انسان، و تحقق و تامین آزادی، برابری، رفاه، و رفاهای فردی و اجتماعی همه افراد جامعه بنا شده و سازمان مییابد. انسان و انسانیت هدف و موضوع اصلی سوسیالیسم کارگری است.
۳- در دوره بعد از جنگ سرد در سطح جهانی، و مشخصا و بویژه در جمهوری اسلامی، مذهب و ملیت و قومیت در سیاست و عملکرد و در فرهنگ و نظرات رسمی دولت و نیروهای سیاسی بورژوازی نقش مسلط و کلیدی پیدا کرده و انسان و انسانیت تحت الشعاع هویت سازیهای ملی و مذهبی و قومی قرار گرفته است.

۴- با توجه به تجربه شکست خورده سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم تبلیغ و توضیح جوهر انسانی سوسیالیسم و نوع و محتوای انسانی حکومت مورد نظر ما، بر اساس آنچه در برنامه یک دنیای بهتر تشریح شده، در تمایز با انواع تجربه های سوسیالیسم بورژوازی امری ضروری و تعیین کننده است. لذا کنگره هفتم تصویب میکند که بمنظور تاکید بر خصلت و مضمون انسانی جمهوری سوسیالیستی بعنوان نظام و حکومت مطلوب ما، "جمهوری انسانی" و "حکومت انسانی" در کنار و هم ارز "جمهوری سوسیالیستی" و "حکومت کارگری" در دستور کار حزب قرار بگیرد.

مصوب کنگره هفتم
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۳۸۸ - ۶ دسامبر ۲۰۰۹

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی زنده باد جمهوری انسانی زنده باد حکومت انسانی آزادی، برابری، حکومت کارگری



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

زن و جوان بپاخاسته، به نیروی تک تک ما احتیاج دارند. بیکپارچه تر و متحدتر، و پرشورتر و مصمم تر از همیشه باید به این نیاز پاسخ بدهیم.*

زنده باد حزب کمونیست کارگری

جهشی به جلو داشته ایم اما به آن راضی نیستیم. اوضاع کنونی بیش از هر زمان به همه ما فراخوان میدهد. دربرچه ای که برای کسب قدرت سیاسی باز شده است در طول تاریخ ما بیسابقه بوده و همچنان باز است. کمونیسم و طبقه کارگر و میلیونها

قطعه‌نامه در مورد شرایط پیروزی انقلاب جاری و تعیین نظام آتی

۱- مضمون واقعی و عینی جنبش حاضر از نظر هدف سیاسی سرنگونی جمهوری اسلامی و از لحاظ آرمان اجتماعی رهائی از فقر و استثمار و تبعیض طبقاتی، رهائی زن، خلاصی فرهنگی جوانان، مدرنیسم و سکولاریسم، ممنوعیت اعدام و شکنجه و پایان دادن به سرکوب و خفقان، و در یک کلام تحقق آزادی و برابری و رفاه برای همگان است. جنبش جاری از نظر اهداف و مضمون عینی و واقعی آن یک انقلاب چپ و رادیکال، یعنی انقلابی انسانی برای رسیدن به یک جامعه انسانی، است.

مختلف جامعه اعتراض خود را بیان کند. شکل فعلی پیشروی انقلاب یعنی تظاهرات های توده ای تکرار شونده نیز باید بر تشکل هر چه وسیعتر و دائمی بخش های مختلف جامعه استوار شود و استحکام یابد و از رهبری سراسری و متمرکز سیاسی و عملی برخوردار گردد. ارکان اصلی این تعیین بایی عبارتست از:

۱-۴- بمیدان آمدن بخش هر چه وسیعتری از کارگران و بچالش کشیده شدن حکومت از جانب جنبش کارگری و شکستگی و توسعه اعتصابات و اعتراضات و تجمعات و راهپیمائیهایی کارگری. ایجاد شوراها و تشکل های واقعی کارگری.

۲-۴- اعتراض و مبارزه بخشهای مختلف جامعه با هویت و موقعیت اجتماعی خود.

۳-۴- شکل گیری تشکلهای محلی (هسته های مخفی محلی، انجمنها و شوراهای علنی، کمیته های محلی و غیره) بمنظور هدایت و سازماندهی مبارزات در محله ها و مناطق. ۴-۴- ایجاد کمیته های سازماندهی و هماهنگی اعتصابات و تظاهرات ها در کارخانه، دانشگاه ها، مدارس، ادارات و بیمارستانها.

با توجه به نکات فوق

الف- حزب کمونیست کارگری عزم راسخ خود را برای شکل دادن به رهبری سیاسی و عملی انقلاب اعلام میدارد و همه انقلابیون و توده مردمی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر بنیادی وضعیت موجود هستند را به متحد شدن حول سیاستها و شعارهای

گوشه و بخشی از حکومت و یا جناحی از حکومت عملاً اقدامی در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم است. حزب در مقابل اینگونه تلاشهای سازشکارانه می ایستد و آنرا افشا و خنثی میکند.

د- حزب هر نوع رجوع و اتکا نیروهای اپوزیسیون به تعصبات و هویت تراشی های مذهبی، ملی و قومی را مانعی بر سر راه جنبش و انقلاب آزادیخواهانه مردم میداند و چنین سیاستها و شعارهایی را محکوم میکند و در برابر آن می ایستد.

ه- حزب همه نیروهای آزادیخواه و مترقی در سراسر جهان را به پشتیبانی از انقلاب مردم ایران و مبارزه برای محکوم و منزوی کردن جهانی جمهوری اسلامی فرا میخواند. حزب از همه دولتها و نهادهای بین المللی میخواهد تا



۲- سرنگونی جمهوری اسلامی به معنی درهم شکستن کل ماشین دولتی و نهادهای قدرت، از بیت رهبری تا بساط امام جمعه ها و تا انواع بنیادها و سازمانهای شبه مافیائی حکومتی، انحلال کلیه ارگانها سرکوب شامل سازمانهای اطلاعاتی و زندانها و دادگاهها و شکنجه گاهها و نیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی و شبه نظامی، و لغو قانون اساسی و کلیه قوانین جمهوری اسلامی است. انقلاب تنها با پافشاری و تمرکز بر خواست سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به این معنای واقعی و همه جانبه است که میتواند به پیروزی برسد.

۳- در شرایط حاضر پیشروی و پیروزی انقلاب قبل از هر چیز در گرو گسترش و تعمیق مضمون و جهت انسانی انقلاب و متحد شدن توده مردم معترض حول نیروی رهبری کننده ای است که اعتراض و نقد عمیق به کلیت نظام موجود را از یک زاویه آزادیخواهانه، برابری طلبانه و انسانی نمایندگی کند.

انقلاب باید رهبری و سازمان سیاسی لازم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و جایگزینی آن توسط حکومت بلافصل مردم را بدست آورد.

۴- از نظر شکل مبارزه متعین شدن هر چه بیشتر انقلاب یک شرط مهم پیشروی و پیروزی آنست. انقلاب باید از تظاهرات توده ای فراتر برود و در اشکال و عرصه های مختلف و بنام افشار و بخشهای

۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته

۲- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل

مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد ۳- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۴- لغو جدا سازی جنسیتی و کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد

۵- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان و یا قومیت و ملیت

۶- لغو مجازات اعدام، لغو قوانین قصاص، و ممنوعیت شکنجه جسمی و روانی در هر شکل و تحت هر عنوانی

۷- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و ممنوعیت تعقیب و بازداشت افراد به اتهام فعالیت سیاسی

ز- حزب پس از سرنگونی جمهوری اسلامی برقراری جمهوری سوسیالیستی را به رای عمومی مردم خواهد گذاشت. حزب برای تامین شرایطی میکوشد که جامعه بتواند آزادانه و آگاهانه نظام مطلوب خود را انتخاب کند. بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی همه احزاب باید بتوانند آزادانه و بی قید و شرط برای نظام مطلوب خود تبلیغ و فعالیت کنند.

ح- حزب بر اساس برنامه یک دنیای بهتر و سیاستهای اعلام شده خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی، یعنی یک نظام انسانی بری از بیحقوقی، فقر، استثمار و تبعیضات طبقاتی و تضمین کننده آزادی و برابری و رفاه برای کلیه شهروندان جامعه، مبارزه میکند و مردم را به انتخاب این نظام فرامیخواند.

جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت جانی و سرکوبگر محکوم کنند و روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی را قطع کنند.

و- حزب اعلام میکند که تعهد و پایبندی به خواستههای زیر معیار سنجش آزادیخواهی و مترقی بودن هر شخصیت و نیروی سیاسی است. حزب همه آزادیخواهان و نیروهای سرنگونی طلب را به مبارزه برای تحقق این خواستها فرامیخواند.

حزب و پیوستن به صفوف حزب فرا میخواند.

ب- حزب همه نیروهای اپوزیسیون را به حمایت از مبارزه توده های مردم برای بزیر کشیدن حکومت و درهم کوبیدن کل نظام جمهوری اسلامی و مبارزه پیگیر در این جهت فرامیخواند.

ج- حزب اعلام میکند که هر درجه مماشات و سازش سیاسی با رژیم، تلاش برای حفظ نظام موجود در هر شکل و کوشش برای حفظ هر

کارگران، زنان، دانشجویان، روشنفکران و نویسندگان، معلمان و کارمندان، پزشکان و پرستاران، خانواده های زندانیان سیاسی و جانبختگان، و کلیه افشار ناراضی از وضع موجود باید در نهادهای مختلف، در کانونها و کمیته ها واتحادیه ها و انجمنها و شوراها و غیره، متشکل شوند و با فراخوانها و بیانیه ها و اطلاعیه های رادیکال خود بمیدان بیایند.

مصوب کنگره هفتم
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ آذر ۱۳۸۸ - ۵ دسامبر ۲۰۰۹

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قطعه‌نامه در مورد خصلت طبقاتی انقلاب جاری

اسلامی را سرنگون کند و آزادی و برابری و رفاه را متحقق نماید.

۵- طبقه کارگر تنها از طریق حزب سیاسی خود می‌تواند در راس انقلاب جاری قرار بگیرد. پیشروی و تعمیق و رادیکالیزه شدن انقلاب و در نهایت پیروزی آن در گرو روی آوری مردم به حزب طبقه کارگر بعنوان نماینده نقد و نارضایتی و اعتراض توده مردم به وضعیت موجود و رهبر مبارزه توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. حزبی که اولاً اهداف سیاسی و اجتماعی انقلاب را نمایندگی کند و در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی حاضر و فعال باشد و ثانیاً از طرف جامعه بعنوان رهبر انقلاب انتخاب شود. در شرایط سیاسی ایران حزب کمونیست کارگری از چنین مشخصاتی برخوردار است و این قابلیت و صلاحیت را دارد که موقعیت رهبری انقلاب را بدست آورد.

۶- حزب کمونیست کارگری برای بجلو سوق دادن و تقویت انقلاب حاضر، سازماندهی و رهبری آن و به پیروزی رساندن انقلاب با تمام قوا مبارزه میکند. حزب همه فعالین جنبش کارگری و همه انقلابیون در جنبش دانشجویی، جنبش رهایی زن و جنبشهای اعتراضی بخشهای دیگر جامعه را به فعالیت حول سیاستهای حزب و پیوستن به صفوف حزب فرا میخواند.

مصوب کنگره هفتم

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ آذر ۱۳۸۸ - ۵ دسامبر ۲۰۰۹

سیاسی، میلیتاریسم بورژوازی غرب، و تئوریهایی سیاسی - اجتماعی متناظر با آن نظیر نسبت فرهنگی ومالیتی کالچرالیسم باز میکنند. انقلاب ایران انسان و ارزشهای جهانشمول انسانی را در مرکز مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی جهانی قرار میدهد و پس از یکدوره چند دهساله سیر قهرقرانی در دنیا، افق روشن و امید بخشی را در برابر مردم شریف و متمدن جهان ترسیم میکند. از این نقطه نظر انقلاب حاضر از ظرفیت بالائی برای جلب حمایت طبقه کارگر جهان و جلب افکار عمومی مردم آزاده دنیا برخوردار است.

۴- طبقه کارگر تنها طبقه خواهان و قادر به پیروز کردن انقلاب حاضر است. چرا که از یکسو بطور عینی و واقعی رهایی طبقه کارگر از قید استثمار و سلطه سرمایه داری در گرو رهایی کل جامعه از فقر و ستم و تبعیض بیحقوقی و اختناق حاکم برجامعه است؛ و از سوی دیگر خواستها و آملات توده مردم، رهایی زن، خلاصی از قید سلطه مذهب، مدرنیسم و خلاصی فرهنگی، تامین آزادیهای بیقید شرط سیاسی و اجتماعی، و از میان برداشتن فقر و تامین رفاه عمومی تنها در سیاستها و برنامه و افق طبقه کارگر نمایندگی میشود و عملاً با تحقق اهداف و برنامه سوسیالیستی طبقه کارگر امکان پذیر است. در روند انقلاب حاضر طبقه کارگر میتواند و باید اکثریت عظیم جامعه را بنیال پرچم خود بسیج کند، جمهوری

۱- جنبشی که از خردادماه ۸۸ آغاز شد و با قدرت ادامه دارد انقلابی برای بریز کشیدن جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری و رفاه است. انقلاب حاضر از نظر مضمون واقعی و زمینه های عینی شکل گیری خود در تقابل طبقاتی میان بورژوازی و طبقه کارگر ریشه دارد و تنها با خاتمه بخشیدن به سلطه سیاسی واقتصادی بورژوازی در ایران میتواند به پیروزی برسد.

۲- نفس شکل گیری انقلاب جاری خود مبین دست بالا پیدا کردن افق و آلترناتیو کارگری برای سرنگونی جمهوری اسلامی در برابر سناریوهای راست نظیر خط استحاله و تغییرات تدریجی و رژیم چنج و دیگر آلترناتیوهای قومی - مذهبی - ناسیونالیستی است. شکل گیری انقلاب تایید و تثبیت اجتماعی افق و چشم انداز کارگری برای زیرورو کردن بنیادی وضعیت موجود و مبین این حقیقت است که انقلاب مطلوب ترین و ممکن ترین راه برای درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی و رهایی کل جامعه از سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی است. تبیین و اعلام این افق و چشم انداز و پراتیک بیوقفه برای تحقق آن بوسیله نماینده سیاسی و طبقاتی کارگران، حزب کمونیست کارگری، خود عامل موثری در شکل گیری انقلاب جاری بوده است.

۳- شکل گیری انقلاب در ایران در سطح جهانی جبهه فعال و موثری را برای به عقب راندن جنبشهای ارتجاعی نظم نویسی نظیر اسلام

است" گرفتند. شانزده آذر گام بلند دیگری در پیشروی انقلاب مردم ایران بود. بویژه از این نظر که در این روز دانشجویان و مردم نه زیر پوشش کشاکش جناحهای حکومت یا روزهای حکومتی و امثال آن، بلکه مستقیماً علیه حکومت و با شعارهای رادیکال به میدان آمدند و در برخی از تجمعات پرچمهای سرخ به اهتزاز درآوردند. دانشگاههای تهران، شیراز، تبریز، کرمان، اصفهان،



مشهد، یاسوج، سنندج، رشت، بندرعباس، بروجرد، زنجان، اراک، بندر عباس، نجف آباد و برخی دانشگاههای دیگر صحنه حضور گسترده دانشجویانی بود که علیرغم حضور گسترده نیروهای سرکوب دست به تظاهرات زدند. مردم در کنار دانشجویان به خیابان آمدند و علیرغم محاصره دانشگاهها، دانشگاه و خیابان به هم پیوستند و رو درروی اوپاش و سرکوبگران ایستادند و چشم در چشم آنها، شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و زندانی سیاسی آزاد باید گردد سردادند. دانشجویان و مردم معترض بی محابا علیه سران حکومت و نیروهای سرکوب شعار میدادند. فریاد "آزادی آزادی" سر میدادند و احمدی نژاد و خامنه ای را آشغال خطاب میکردند.

در شانزده آذر جهانیان این پیام را شنیدند که علیرغم صحنه سازها و ادعاهای تبلیغی حکومتیان، انقلاب تداوم دارد و توقفهای چند روزه و چند هفته ای به معنای فروکش انقلاب در ایران نیست. پوشش وسیع و گسترده و بیسابقه شانزده آذر در رسانه های بین المللی با تیرهای نظیر اینکه "شانزده آذر معادلات سیاسی را بهم زد"، "شانزده آذر یک رویداد سیاسی مهم بود"، "حکومت راه خلاصی از اعتراضات ندارد" و امثال اینها نشانگر ابعاد و

توحش و بیرحمی آنها را تسلیم نخواهد کرد. شانزده آذر اعلام کرد که انقلاب آمده است که بماند و به پیش رود و قصد توقف ندارد. حکومت اسلامی قبل از شانزده آذر تمام چنگ و دندان کثیفش را نشان داد تا این روز را بی دردهر پشت سر بگذارد. دانشجویان بسیاری را در خانه و دانشگاه و خوابگاهها دستگیر کردند، عریده کشیدند، رژه رفتند، اینترنت و تلفن ها را قطع کردند، حکومت نظامی

برقرار کردند و لشکر اوپاش را به خیابانها فرستادند، و در روز روشن اعلام کردند که از جنایت و بیرحمی دریغ نخواهند کرد. اما دانشجویان و مردم آزادیخواه همه این تقلاها را به ضد حکومت تبدیل کردند. نشان دادند که وقتی حکومت بیرحمی و توحش خود را به رخ میکشد، بیش از پیش حقانیت انقلاب و سرنگونی طلبی را به ژرفای جامعه میبرد. حکومتی که با جامعه سر جنگ دارد و اعلام جنگ میکند، راهی جز زباله دان در پیش خویش نمی بیند. شانزده آذر با جسارت و از خود گذشتگی و قهرمانی خیل عظیمی از جوانان و مردم، این راه را به حاکمین منفور اسلامی نشان داد. جمهوری اسلامی لشکر مزدور و جنایتکار کم ندارد. هزاران نفر از مزدورانش را در تمام شهرهای بزرگ سر هر کوچه و خیابان و میدانی مستقر کرد و بلندگوهای لجن پراکنش طی چند هفته قبل از شانزده آذر یک ریز رجز خواندند و دانشجویان و مردم سرنگونی طلب را تهدید و تحقیر کردند. اما جوابشان را با "مرگ بر دیکتاتور" و "ما زن و مرد جنگیم بچنگ تا بجنگیم" و "بسیجی برو گمشو"، "دانشجو میمیرد ذلت نمی پذیرد" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "مرگ بر خامنه ای" و "موسوی بهانه است کل رژیم نشانه

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

شکنج و جنایتی، تنها خشم مردم را افزایش میدهد.

انقلاب آزادیخواهانه مردم ادامه دارد. زنده باد شانزده آذر

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آذر ۱۳۸۸، ۸ دسامبر ۲۰۰۹

گام مهمی انقلاب برای سرنگونی حکومت اسلامی را به جلو سوق دادند، صمیمانه درود میفرستد. ما همه مردم را فرا میخوانیم که برای آزادی فوری دستگیر شدگان شانزده آذر که شمارشان به صدها نفر میرسد، پا به میدان بگذارند. جمهوری اسلامی باید بداند که ادامه بازداشتها و هرگونه

اهمیت و پژواک وسیع سازنده آذر بود. بیش از دو هزار رسانه بین المللی خبر تظاهراتی شانزده آذر را در صدر اخبار خویش قرار دادند. و این بی سابقه بود و با واقعیت شانزده آذر خوانایی داشت.

حزب کمونیست کارگری به همه دانشجویان و جوانان و زنان و مردان آزاده که با فداکاری و از خودگذشتگی

قطعنامه درمورد اوضاع سیاسی کردستان و وظایف ما

حرکت میلیونی مردم در خرداد ماه امسال اعلام راه حل انقلابی جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. ابراز وجود این جنبش انقلابی که هدف مستقیم آن سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی است مساله قدرت سیاسی را به انقلاب گره زد و یک تحول بنیادی در عرصه سیاست ایران بوجود آورد. علاوه بر خود جمهوری اسلامی کل اپوزیسیون راست در مقابل این انقلاب به تکاپو افتاده است. اما راه حل‌های این اپوزیسیون، یعنی نسخه‌های استحاله و تغییرات تدریجی، رژیم پنج و انقلاب مصلحتی و بحران آفرینی در مرزها و فدرالیسم و رفراوندوم و تغییر قانون اساسی و نافرمانی مدنی و غیره همگی در پراتیک اجتماعی مردم به حاشیه رانده شد. اکنون تلاش همه اینها روی به شکست کشیدن این انقلاب متمرکز شده است. همگی در مقابل خواست و اراده مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه انسانی ایستاده اند و تلاش میکنند مبارزه مردم را به انحراف بکشانند.

در شهرهای کردستان گرچه بدلائل معینی هنوز انقلاب همانند برخی شهرهای دیگر ابراز وجود نکرده است، اما وضعیت سیاسی ویژه کردستان ابراز وجود قدرتمند و تعیین یافته انقلاب را در چشم انداز میگذارد و حزب برای تحقق آن تلاش میکند. مبارزه حزب و مردم در کردستان علاوه بر بزرگکشیدن جمهوری اسلامی، خنثی کردن و به شکست کشاندن سیاستهای ضد انسانی جریانات قومپرست و ناسیونالیسم کرد را در دستور دارد. از اینرو حزب برای رهبری و به پیروزی رساندن انقلاب، بدلیل وضعیت ویژه سیاسی در کردستان، علاوه بر سیاستها و پراتیک خود در سطح سراسری طرح و پراتیک ویژه ای را در کردستان در دستور میگذارد.

مبانی تحلیلی اوضاع سیاسی در کردستان و اقدامات ویژه حزب از اینقرار است:

۱- عوامل تاریخی و سیاسی معینی به وضعیت سیاسی ویژه ای در کردستان شکل داده است. این شرایط جریانات سیاسی چپ و راست در کردستان را نیز در موقعیت ویژه ای قرار داده است. پس از انقلاب ۵۷

مهمترین شاخص وضعیت ویژه کردستان، عروج اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر چه در مواجهه با ضد انقلاب و رژیم سرکوبگر اسلامی و چه در مقابله با جنبش و احزاب گوناگون ناسیونالیسم کرد بوده است. حزب کمونیست کارگری، بعنوان بخش متحزب یافته جنبش کمونیسم کارگری، نماینده سیاسی طبقه کارگر و نماینده کلیه پیشرویهای این طبقه و جنبش کمونیسم کارگری در مقابل ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی بوده است. علاوه بر این، بدلیل موقعیت ویژه حزب بعنوان بستر چپ در سطح سراسری، حزب به نیروی قابل اتکای کارگران و مردم آزادیخواه برای رهایی جامعه کردستان از قید استثمار و هرگونه ستمی بدل شده است.

۲- از نقطه نظر اجتماعی، موقعیت ویژه چپ در کردستان و گسترش نفوذ کمونیسم کارگری در جنبش کارگری و جنبشهای حق طلبانه خود را در طرح خواستها و مطالبات انسانی و پیشرو در این جنبشها، و در اشکال مبارزاتی کارگران و مردم آزادیخواه نشان میدهد. بویژه در دهه اخیر، گسترش اعتصابات کارگری و به میدان آمدن رهبران سرشناس و تشکلهای علنی فعالین کارگری، جنبش دفاع از حقوق کودکان در اشکال مدرن و بیسابقه، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، و جنبش آزادی زن و مطرح شدن مسائل و خواستهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه در این جنبشها، نمونه هائی از موقعیت جنبش کمونیسم کارگری در کردستان را نشان میدهد. مطالبات و سننهای پیشرو مبارزه این جنبشهای آزادیخواه و حق طلب در کردستان که جزئی از حرکت سراسری مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است، در عین حال تعرضی جدی علیه سنن و افق ناسیونالیسم کرد نیز بشمار میروند.

۳- بموازات تحکیم موقعیت کمونیسم کارگری و گسترش نفوذ آن در کردستان، موقعیت اجتماعی ناسیونالیسم کرد افول کرده و احزاب مختلف این جنبش به بی افقی و تشتت دچار شده اند. از طرف دیگر، نحوه بقدرت رسیدن ناسیونالیسم کرد در عراق در دوره ای باعث شده بود که احزاب ناسیونالیسم کرد در ایران

به دخالت آمریکا و افق و سیاست نظم نوینی برای بقدرت رسیدن امید ببندند. فدرالیسم قومی و آرزوی تبدیل شدن به زائده های ارتش آمریکا به کل هدف و استراتژی احزاب سنتی ناسیونالیسم کرد و باندهای قومپرست بدل شده بود اما با شکست آمریکا در عراق و تحولات متعاقب آن در خود آمریکا این افق ناسیونالیسم کرد کور شد و جایش را به افق همکاری با رژیم اسلامی داد. احزاب حاکم در کردستان عراق از یک طرف بدلیل شکست سیاستهای آمریکا در عراق و مسائل داخلی متعدد ناشی از آن دچار معضلات جدی شده اند و از سوی دیگر بدلیل اعتراضات مردم علیه فقر و فساد اداری آشکار دولت حاکم بر کردستان عراق با بی افقی و سردرگمی عمیقی مواجه شده و نزد مردم بی آبرو شده اند و موقعیت سابق را در میان مردم از دست داده اند. تاثیر این وضعیت عمومی بر جریانات ناسیونالیسم کرد در منطقه و از طرف دیگر چشم انداز سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم به بی افقی و بی اعتباری ناسیونالیسم کرد در ایران افزوده است.

۴- یک نتیجه مهم زیر سوال رفتن افق و سیاست نظم نوینی برای بقدرت خزیدن جریانات ناسیونالیسم کرد، رجعت به سیاست سازش و مسامحات با رژیم بود. احزاب قومپرست و ناسیونالیست سنتی کرد گرچه آمادگی خود برای سازش و معامله با جناحی از جمهوری اسلامی را اعلام کردند، اما انقلاب و حرکت عظیم مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی این افق را هم کور کرد. از اینرو، ناسیونالیسم کرد که بجز این دو افق راهی مقابل خود نمیبیند، تماما در تقابل با انقلاب مردم آزادیخواه قرار میگیرد و امروز با در دست داشتن پرچم فدرالیسم قومی به یکی از مرتجعترین و خطرناکترین جریانات سیاسی در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم در کردستان بدل شده است.

۵- سنن مساله ملی در کردستان ظرف و محمل فعالیت نیروهای ناسیونالیست کرد بوده است و پاسخ همه این نیروها به این مساله فدرالیسم است. جریانات ناسیونالیست و احزاب بورژوازی کرد

دنبال رفع ستم ملی نیستند، بلکه کوشیده اند که وجود ستم ملی را مبنایی برای دامن زدن خرافه ها و تعصبات ملی و قدرت گیری خود، سازش و مصالحه با دولت مرکزی از بالای سر مردم، و نهایتا گرفتن سهمی از قدرت دولتی قرار دهند. آلترناتیو فدرالیستی که از جانب نیروهای ناسیونالیست کرد بعنوان راه حل مساله ملی و نجات مردم کردستان تبلیغ میشود عملا مساله ملی در کردستان را نهادینه میکند و موجب تشدید تخاصمات ملی بین مردم کردستان و سایر مناطق ایران میشود.

۶- حزب کمونیست کارگری راه رهایی کارگران و زحمتکشان در کردستان از تمامی تبعیضات و نابرابری ها و از جمله از ستم ملی را، زندگی بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در یک جامعه برابر و انسانی میداند و مردم کردستان را به مبارزه برای رسیدن به چنین جامعه ای فرامیخواند. اما با این وجود اگر مردم کردستان در یک رفراوندوم آزاد رای به جدائی بدهند حزب این جدائی را برسمیت میشناسد. ما در مقابل طرحهای گوناگون جریانات ناسیونالیستی و قومی، اعمال حاکمیت مردم و به دست گرفتن اهرمهای قدرت بوسیله طبقه کارگر و مردم سازمان یافته در شوراها خود را قرار میدهیم. برقراری جمهوری سوسیالیستی و استقرار حکومت شورایی در سراسر ایران و از جمله در کردستان و جلوگیری از جایگزینی قدرت بوسیله عوامل و نهادهای بورژوازی محلی اساس سیاست حزب و راه واقعی رهایی مردم است.

۷- سنت مبارزه مسلحانه و وجود احزاب مسلح ناسیونالیست کرد، تسلیح مردم در شرایط اعتلای مبارزه سیاسی و در وضعیتی که از نظر توازن قوا میان مردم و رژیم این امر ممکن باشد را امری الزامی و اجتناب ناپذیر میکند. از سوی دیگر شرایط نسبتا سهل دستیابی توده مردم به اسلحه در مقایسه با سایر مناطق ایران و تجربه مبارزه و مقاومت مسلحانه توده ای در برابر تعرضات حکومت مرکزی، شکلگیری مبارزه مسلحانه توده ای در کردستان را در شرایط اعتلای سیاسی بسیار محتمل میسازد. از

اینرو آمادگی سیاسی، سازمانی و تدارکاتی برای تسلیح توده ای و قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و برای دفاع از مردم در صورت خرابکاری باندها و دستجات مسلح ناسیونالیستی و قومپرست از هم اکنون باید بطور جدی مورد توجه کارگران و کمونیست ها در کردستان قرار گیرد.

۸- علیرغم تضعیف موقعیت سازمانی و اجتماعی احزاب ناسیونالیسم کرد، نباید به ظرفیت این احزاب در ضربه زدن به حرکت آزادیخواهانه کارگران و مردم زحمتکش در کردستان کم توجه بود. از اینرو حزب برای پیشروی جنبش کمونیسم کارگری در شرایط متحول امروز ایران افشا و نقد همه جانبه ناسیونالیسم کرد در شکل سنتی و یا قومگرایانه آنرا در دستور دارد و در هر شرایطی علیه تحركات ضد مردمی و ضد انقلابی احزاب و باندهای ناسیونالیست و قومپرست، زد و بند آنان با جناحی از رژیم و یا دولت مرکزی و دول منطقه و شکل گیری حاکمیت خودگمارده بورژوازی کرد از بالای سر مردم مبارزه میکند.

۹- سیاست عملی حزب در کردستان همانند سایر مناطق ایران سازماندهی و هدایت جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی مردم با پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر در جهت به پیروزی رساندن انقلاب، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی است. در عین حال حزب با توجه به جنبش انقلابی جاری و ضرورت برداشتن موانع پیشروی انقلاب و با توجه به وضعیت ویژه سیاسی در کردستان و بمنظور پیشروی هرچه بیشتر جنبش کمونیسم کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم در کردستان بر انجام وظایف ویژه زیر تاکید میکند.

- سازمان دادن نیروی مردم انقلابی بمنظور درهم شکستن جمهوری اسلامی در کردستان و تامین شرایط اعمال حاکمیت مردم. سازمان دادن ارگانها و تشکلهای مختلف عرصه های اعتراض اجتماعی. سازمان دادن شوراهای کارگری و تشکلهای کمیته های

۱۶ آذر نماد آزادی یا دیکتاتوری؟

یاشار سهندی

۱۶ آذر امسال (۸۸) همانطور که انتظار میرفت با حضور جمعیت انبوه مردم در تهران و چند شهر دیگر برگزار شد. این علیرغم همه تمهیدات امنیتی رژیم در حال زوال جمهوری اسلامی صورت گرفت. دانشجویان را از روزهای پیش دسته دسته گرفتند. خبرگزاریها خارجی را تهدید کردند که حق گزارش تهیه کردن ندارند. اینترنت را مختل کردند. به استادان دانشگاهها فرمان دادند که به دانشجویان بگویند در این روز کلاس برگزار نشود تا شاید دانشگاهها تعطیل شود. به مانند همیشه گله های سرکوبگرشان را روانه خیابان کردند، باطوم، گاز اشک آور و تیراندازی. همه اینها عبث بود. مردم به جان آمده بار دیگر در خیابان



حضور یافتند که نشان دهند انقلاب زنده است. اما دستگاه دیگری میکوشد همزمان با این تلاشها جریان انقلابی را سرکوب کند. او پلیس ضد شورش نیست، او کارگزار رسمی این دولت جنایت پیشه نیست؛ اما این دستگاهی بود که کمک کرد این دولت سی سال پیش در مقابل انقلاب مردم ایران شکل بگیرد. و اکنون همان وظیفه مقدس را به شدت

دنبال میکند. سی سال پیش رادیو بود اکنون تلویزیون است و امکانات یک دولت اروپایی را در خدمت دارد و این نام، نام آشنای برای همگان است: "بی بی سی با تحلیلهای بی طرفانه!" بی بی سی در شب ۱۶ آذر در بخش خبری "۶۰ دقیقه" به تحلیل ۱۶ آذر پرداخت. کارشناسان این تفسیر خبری نیز چهره های نام آشنای ما هستند که در پا گرفتن و قوام این دولت تبهکار نقش اساسی داشتند. فرخ نگهدار و ابراهیم یزدی. بی بی سی در این تحلیل چنین نتیجه گرفت که خواسته دانشجویان از سال ۳۲ تاکنون فرقی نکرده است و به دنبال همان خواسته ها هستند که دانشجویان در ۶۰ سال پیش بودند. و آن چیزی نبوده به زعم این تفسیر جز

اما ابراهیم یزدی جمله ای گفت که به یک جمله کلیشه ای در نزد کارشناسان بورژوازی تبدیل شده. در ادامه تحلیل بی بی سی و تاکید گردانندگان تلویزیون بی بی سی بر اینکه کسانی مثل سردار جعفری، فرمانده کنونی سپاه که زمانی دانشجو بوده اند و زندان زمان شاه را تجربه کرده اکنون به سرکوب دانشجویان مشغول است و به شدت هم اینکار را میکنند در صورتی که دانشجویان همان خواسته ها را دارند که ایشان داشته (یعنی سرود یار دبستانی!) و جمله ابراهیم یزدی تحلیل بی بی سی را کامل کرد ایشان بیان داشت: "سقوط شاه نشان داد که در وجود همه یک شاه کوچک است تا آن شاه کوچیکه را اصلاح نکنیم در بر همین پاشنه خواهد چرخید!" (نقل به معنی) تمام مبارزات و فداکاریهای این ۶۰ ساله با این "تفسیر خبری" یعنی هیچی به هیچی. یعنی دانشجوی امروز نیز فردا یک دیکتاتور است. یعنی ساکت باشیم و چیزی نگوییم و هر وقت شاه کوچک درون مان را سرکوب کردیم آتوقت حرف بزنیم. این بود تمام تفسیر بی بی سی! آیا لازم است این سخنان را بیشتر بشکافیم؟

۶۰ سال است که دانشجویان در هر شکل اعتراضی شان به دنبال آزادی بودند نه آزاد کردن شاه کوچک درونشان. این بی بی سی و امثالهم هستند که شاه و شیخ و فرخ نگهدار و ابراهیم یزدی؛ دیکتاتوران بزرگ و کوچک دیگر را به جان مردم انداختند و می اندازند. درسی اگر قرار است از تاریخ ۶۰ ساله ۱۶ آذر گرفت همین بس که بنیان این جامعه را باید تغییر داد تا وجود هر گونه دیکتاتوری ذایل گردد.*

انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر:

محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

11 شب بوقت اروپای مرکزی

5 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

از صفحه ۱۳ قطعنامه در باره اوضاع ...

- سازماندهی و هدایت مبارزات کارگری و مبارزات مدرن شهری و تقویت این سنت مبارزه در برابر سنتهای مبارزه پیشمرگاییتی و پارتیزانی در کوه و روستاها که سابقه ای دیرینه در کردستان دارد.

- آمادگی برای سازمان دادن نیروی مسلح در کردستان. آمادگی برای مبارزه مسلحانه و تسلیح عمومی مردم در شرایط اعتلای سیاسی بخشی از نقشه فعالیت حزب در کرستان است. حزب باید برای چنین شرایطی کاملاً آماده باشد و برای تسلیح مردم در چنین شرایطی تدارک دیده باشد.

رهانی مردم کردستان در گرو پیروزی انقلاب در سطح سراسری و کنار زدن جریانات مرتجع و قومپرست و فدرالیست است. به این منظور حزب کمونیست کارگری فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی در کردستان را به سازمانیابی و فعالیت حول سیاستهای فوق و پیوستن به صفوف حزب فرا میخواند.

مصوب کنگره هفتم

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آذر ۱۳۸۸ - ۶ دسامبر ۲۰۰۹

محلّی برای اعمال حاکمیت و بدست گرفتن کنترل شهرها و محلات.

- نقد و افشای افق و آترناتیوهای ناسیونالیستی و نقد پیگیر سیاستها و عملکرد نیروها و احزاب ناسیونالیسم کرد.

ناسیونالیسم سنتی و ناسیونالیسم قومی کرد باید از لحاظ نظری، سیاسی، و اجتماعی مورد نقد ما قرار بگیرند. حزب میتواند و باید با اتکا به موقعیت مبارزات شهری و چپ در جامعه و پیشرویهای کمونیسم کارگری ناسیونالیسم را اجتماعاً نقد، منزوی و حاشیه ای کند.

- مقابله با فدرالیسم که توسط احزاب ناسیونالیست کرد بعنوان راه حل مساله ملی ارائه میشود، و تبلیغ و توضیح راه حل انقلابی و انسانی حزب که در برنامه یک دنیای بهتر در برابر آترناتیوهای بورژوازی تدوین شده است.

- نقد و افشای سازش و مماشات جریانات ناسیونالیست کرد با جنبش ملی اسلامی و جناحهای رژیم و مقابله با طرحها و سیاستهایی که مانع مبارزات و هم سرنوشتی و اتحاد مردم کردستان با مردم دیگر مناطق ایران علییه جمهوری اسلامی است.

در ۱۶ آذر، شاید خدا گریسته باشد!



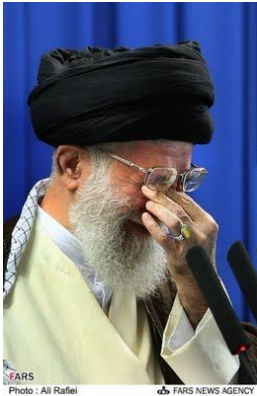
شهلا دانشفر

ایستادند و آنها را عقب زدند. شانزده آذر روزی تاریخی بود.

شانزده آذر يك شكست برای رژیم بود، در گزارشی از سایت آرمان ایران از رسانه های نزدیک به محسن رضایی، دقیقاً به همین نکته اشاره کرده و مینویسد: روز ۱۶ آذر با همه حوادث و اخبار ضد و نقیض سپری شد. تعدادی دستگیر شدند، بعضی شیشه ها شکسته شد و تعدادی هم اضافه ماموریت هایشان را شمرند! اما آن چیزهایی که در این حوادث دیده نشد چه بود؟ و بعد ادامه میدهد: "ما برای حل مشکلات اجتماعی به زور بازویمان متوسل شده ایم، شاید کمتر کسی متوجه شد که چه نیروی انتظامی به داخل دانشگاه بیاید چه نیاید، چه دستگیر شده ها ۵۰ نفر بوده باشند چه ۵۰۰ نفر، ما حل مشکلات و اختلاف مان را به نیروهای امنیتی و دادگاه های قضایی دادیم، و این برای همه يك شکست بود" و بعد هم عزا داری برپا کرده و مینویسد: "دیروز (۱۶ آذر)

هیچکس ندید که شاید خدا بر آنچه به دین رحمانی اش و بر بنده های مظلومش رفته گریسته باشد. آری کسی دیروز گریه خدا را ندید!" این گفته ها فقط گفته های يك رسانه نزدیک به شخصی از سران حکومت نیست. این حال و روز امروز جمهوری اسلامی است. این اتفاق مهم سیاسی است که در ۶ ماه خیزش انقلابی مردم روی داده و شانزده آذر يك نقطه عطف در آن بود. شانزده آذر خدای حافظ این جانپان را به گریه انداخته است. نکته مهم اینست که این پیشروی را باور داریم و گامهای بعدی را بر روی آن بسازیم. همانطور که در جای دیگری نیز اشاره داشتیم، شانزده آذر روزی نبود که از آن صرفاً بعنوان فرصتی استفاده کرده و بیرون آمده باشیم. این روز ستار روز نه به جمهوری اسلامی و روز آزادی و برابری نام گرفته است و در چنین روزی ما شاهد چنین اتفاق مهمی بودیم. مردم در سیزده آبان بر روی

عکس خامنه ای رژه رفتند و در شانزده آذر عکس او و احمدی نژاد را آتش زدند و با شعار دولت جنایت میکند، رهبر حمایت میکند. خامنه ای قاتله ولایتش باطله، روشن و صریح حکم به رفتن این جانپان دادند و با فریاد آزادی، آزادی، آزادی، شعار دادند، موسوی پنهان است، کل رژیم نشانه است. اکنون بعد از شانزده آذر، گامهای بعدی پیشروی ما، متشکل شدن ما در محلات و در کارخانه و در همه جاست. بیرون انداختن نیروهای سرکوبگر از مراکز کار و ناامن کردن محلات برای آنهاست. متشکل شدن در حزب کمونیست کارگری ایران و دوره ده خواست فوری است که حزب اعلام کرده و خواستهای همین امروز همه مردم است. دوره برپایی تجمعات اعتراضی هر روزه در محلات و در مقابل زندان اوین و به مناسبتهای مختلف و فریاد زدن این خواستهاست. باید این گام ها را برداشت.*



شاید صدای انقلاب را شنیده است!



به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

همه کاندیداهای حکومتی افشاگریهای گسترده ای از دزدبپایشان در برابر رسانه های حکومتی اعلام کرده و با حفظ شئون اسلامی همیگر را دزد و کارچاق کن خطاب کردند. دیوان محاسبات اداری رژیم در اوایل امسال اعلام کرد که يك شیوه فساد مالی بستن قراردادها نفتی معروف به "قراردادهای بیع" می باشد. که زمینه برای سوء استفاده های مالی تا رقم ۸۰ میلیارد دلار را به دنبال داشته است.

لیست بلند بالایی از آمار دزدبپهای سران حکومتی و اعترافاتشان در این باره از زبان خودشان می توانید در سایت روزنه بخوانید. <http://www.rowzane.com/00002009/e-m06/8-titre.htm> جمهوری اسلامی حکومت دزدان و قاتلان است. از بدو سر کار آمدنش چپاول و دزدی جزء سیاست بوده. سکان مافیای اسلامی دزدی و جنایت در دست خامنه ای و رفسنجانی و احمدی نژاد و ... می باشد. برای جلوگیری از دزدی، حکومت دزدان و قاتلان را باید به زیر کشید. این اولین و اساسی ترین گام است.*

بوده و سر دیگرشان به کنترل های دزدی تا بیت رهبری که راه انداخته شده اند، وابسته می باشند. بدین ترتیب کل سیستم با تمام قوانین و مقرراتش، سیستم سازمان یافته حکومتی چپاول دزدی و غارت می باشد. بد نیست به چند نمونه از دزدبپهای سران حکومت که به بیرون درز کرده و باندهای رقیب پتبه همیگر را به روی آب انداخته اند اشاره بکنیم.

شهرام جزایری معرف حضور همگان هست. بعد از ۶ سال به اصطلاح رسیدگی به این پرونده ایشان اکنون در ویلایی در کنار اوین محکومیتشان را می گذرانند! دزدی ۳۰۰ میلیاردی احمدی نژاد در دورانی که شهر دار تهران بود. تا به حال این پرونده باز می باشد. افشاگری زنگنه وزیر نفت سابق حکومت که اعلام کرد ۱۰ میلیارد تومان از درآمدهای نفتی در فاصله سالهای ۱۳۸۵ به بعد به خزانه دولتی ریخته نشده است. خانواده رفسنجانی و باندهای متعددش رقمی بیش از ۲۰ میلیارد دلار را به اعتراف خودشان وارد "چرخه های اقتصادی" در آمریکا و کانادا کرده اند. در جریان مناظرات تلویزیونی در دوره برگزاری انتخابات حکومتی

طراحی و نوشته است. به همین خاطر است که قانونشان شامل حال خودشان نمی شود. در میان سازمان و دستگاه عظیم دزدی و چپاول رسمی حکومتی نامهایی چون بنیاد شهید، "بنیاد مستضعفان" تولید آستان قدس رضوی به سرپرستی آخوند واعظ طبعی، کمیته امداد امام، نامههایی آشنا برای مردم می باشند. این سازمان های مافیایی که بیش از نصف قدرت اقتصادی، سرمایه در حال گردش، و کارخانجات و صدها واحد صنعتی دیگر را در چنگال دارند، سر هر کدامشان به یکی از باندهای ثروت و قدرت در حکومت وصل است.

ابعاد و دامنه دزدی و چپاول آخوندها و سران حکومتی سر به فلک می زند. تمام دولت و سیستم اقتصادی و قوانین مقررات حکومتی، مانند يك مافیای بزرگ دزدی و چپاول سازمان یافته و کار می کنند. خود همین موضوع فساد مالی را تقویت کرده و هر مقام حکومتی که بر سر کار گمارده می شود اولین کاری که انجام می دهد، سازمان دادن شبکه دزدان حرفه ای و مافیایی می باشد که يك سرشان به دستگاهها و اداره جات دولتی وصل

بازتاب هفته

از صفحه ۵

حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را باید به زیر کشید!



محمد شکوهی

اوایل این هفته صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه رژیم اعلام کرد که کارمندان دولتی با جعل اسناد دولتی میلیاردها تومان به جیب زده اند! رئیس دستگاه آدم کشی جمهوری اسلامی از زمان صدارتش بر این قوه، از حدود ۴ ماه پیش اولین مقام رده بالای حکومت آیت الله های میلیاردی است که رسماً و علناً به وجود دزدبپهای میلیاردی و فساد مالی بزرگ دولتیان اعتراف می کند. این اعتراف فقط اشاره خیلی کوچک آخوند لاریجانی به دم و

دستگاه عریض و طویل دزدی سازمان یافته حکومتی می باشد، که در طول سی سال گذشته رسماً توسط مقامات بلند پایه حکومتی سازماندهی شده است می باشد. و تازه این اشاره هم از سر جلوگیری از دزدبپ نیست بلکه جزئی از جنگ جناحهای حکومت است. لاریجانی با نقل قول از احمدی نژاد در مورد اینکه جلوی غارتها را میگیریم، در واقع دارد آدرس خانه رفسنجانی را میدهد. اما دزدی و چپاول خصیصه کل دست اندرکاران قدیم و جدید حکومت است. افشاگریهای پالیزدار گوشه ای از این دزدی ها را جلوی چشم گذارد که سر به میلیاردها دلار میزد. جناب لاریجانی خودش به خوبی می داند که برای دزدبپ کلان از چه راهی و چگونه باید وارد شد و به همین خاطر نمونه می دهد. سیستم قضایی و قوانین جاری، البته اگر بشود اسم قانون به آنها اطلاق کرد، توسط همین دزدان و غارتگران و چپاولگرانی که دزدبپهای سران حکومتی و باندهای مختلف را سازمان داده و هدایت می کنند،

پیامها به کنگره ۷ حزب از داخل ایران

پیام حوزه انترناسیونال به کنگره هفتم

حزب کمونیست کارگری ایران

با درودهای گرم به همه اعضای حزب و به همه اعضای رهبری و رفیق حمید تقوایی لیدر حزب دست تک تک شرکت کنندگان در کنگره هفتم، کنگره سازماندهی و رهبری انقلاب کارگران، جوانان، زنان و مردم ایران را بگرمی میفشاریم. برگزاری این کنگره بس مهم را به همه انسانهای شریفی که دلی آکنده از عشق به آزادی انسان و رهایی انسانیت از چنگال نظام ضد بشری سرمایه داری را دارند، تبریک میگوئیم.

رفقای حاضر در کنگره

امروز وظیفه خطیری از طرف اعضا بر دوش شما گذاشته شده و انجام مسئولیت بس مهمی را از شما انتظار دارند. کارگران و مردم ایران که در سه چهار ماهه گذشته دست اندر کار انقلاب و جنبش عظیمی برای بزیر کشیدن و سرنگون کردن رژیم اسلامی سرمایه بوده اند، از شما منتخبین اعضا انتظار دارند که با درایت و شایسته حزب منصور حکمت و حزب انقلاب انسانی، نماینده انسجام، وحدت و همبستگی حزبی، نماینده شایسته کارگران و مردمی باشید که میروید به رهبری این حزب پر افتخار، در آینده ای نه چندان دور شاهد قدرتگیری جنبشی برای دگرگونی بنیادی در جامعه و ایجاد جمهوری سوسیالیستی در ایران باشید.

ما فعالین داخل از شما انتظار داریم که کنگره حاضر با تصویب قطعنامه هایی که رهنمودهای لازم برای سازماندهی و رهبری انقلاب حاضر را داشته باشد، ما را یاری رساند و تا حد امکان جزئیات راهی که قرار است پیسوده شود را مشخص نماید.

فعالین این حوزه در شهرهای محل فعالیت اعضا خود نکات ضعف و مشکلات روبرو شده در جریان اعتراضات میلیونی و صدها هزار نفره مردم را با جزئیات و بصورت کتبی به حزب ارائه داده است و بنوبه خود انتظار دارد که رفقای رهبری حزب در تنظیم قطعنامه ها نکات مهم این نوشته

ها را در نظر داشته باشند .

انتظار دوستداران حزب بر اینست که این کنگره با رهبری توانمندانه حمید تقوایی لیدر شایسته حزب، با موفقیت برگزار شده و با قطعنامه ها و بیانیه های قاطع حزب را در رهبری شایسته انقلاب کارگران و مردم ایران یاری رساند.

با آرزوی برگزاری کنگره ای

هر چه باشکوهتر

زنده باد

حزب کمونیست کارگری ایران

دبیر حوزه انترناسیونال

پیام یاشار سهندی به کنگره ۷

با درود به رفقا

هر چند رسم است که در ابتدای کنگره پیام کسانی مثل من خوانده میشود و معمولاً رسم است که "خسته نباشید" را در آخر کار به کسی میگویند، اما لازم است در همین ابتدای کار یک خسته نباشید جانانه به شما بگویم!

حزب کمونیست کارگری نه تنها چشم و چراغ طبقه کارگر ایران بلکه جهان است. این ممکن نبوده مگر با همت همه شما رفقا. شما خوب واقفید که "بعد از منصور حکمت" از دوست و دشمن انتظار داشتند که این حزب زمین بخورد اما این حزب سرافرازانه کاری که منصور حکمت بنیانش را نهاد پیگیرانه ادامه داد و عمق بخشید. این ادعایی برای فریب خودمان نیست، ثمره اش را داریم به چشم میبینیم. این حزبی بود که تاکید کرد جنبش کارگری زنده است و مبارزه میکند. تلاش کارگران را ارج نهاد، و نه تنها این، رهنمود داد و در تمام این مبارزات در طی این چند سال گذشته بخصوص پرچمدار جنبش کارگری بود؛ صدایش را به جهان رساند. خوب واقفید که گفتند: مبارزات کارگران تدافعی است، کارگران دست به کلاه خویش دارند، آب در هاون میکوبند، تلاشهای آنان به جایی نمیرسد، تشکیلات ندارند، تشکیلاتی هم اگر دارند بلند نمیخورد، اما سواي اینها حزب هم ندارند! اما شما به عنوان يك حزب کمونیستی، حزبی متعلق به طبقه کارگر، توانستید پرچمدار جنبش طبقه کارگر، پرچمدار کمونیسم انسانی باشید. پرچمدار آزادی و

میتوانیم این نقش را در آستانه این تحول مهم تاریخی بازی کنیم. چرا که نه؟ تاریخ حزب ما نشان داده است که توانسته ایم. جامعه بدون خطر کمونیسم به منجلابی تبدیل میشود. و جامعه ایران گواه این است که بدون حزب کمونیست کارگری گنداب سرمایه هیچ اثری از انسانیت باقی نمیگذاشت؛ و حزب کمونیست کارگری اکنون در آستانه تحولی است که این گنداب را برای همیشه بشکند. انقلابی که اکنون در بطن جامعه در جریان است يك چیز کم دارد و آن پرچم سرخ کارگران است و وظیفه این کنگره دادن پرچم سرخ کارگران به دستان این انقلاب است، تامین رهبری طبقه کارگر بر این جنبش انقلابی است.

لازم است همصدا با مارکس اعلام کنیم: بگذار طبقات حاکم بر خود بلرزد ما چیزی جز زنجیرهای پاهایمان برای از دست دادن نداریم ولی دنیایی را به کف خواهیم آورد. کارگران جهان متحد شوید. این شعار آن شعاری که بر تارک فردای این جامعه باید برخشد.

زنده باد حزب کمونیست کارگری

تاریخ پیروز شدگان را خواهیم نوشت

رفقا خسته نباشید

کنگره ۷ را به شما رفقای حزبی، مهمانان کنگره و مردم آزادیخواه ایران تبریک می گوئیم. رفقا شکی نیست که این کنگره منحصر به فرد است و در آن سرنوشت جامعه ای ۷۰ میلیونی رقم خواهد خورد. در واقع این کنگره، کنگره حزب و جامعه، حزب و انقلاب، حزب و قدرت سیاسی است و در این کنگره با رهبری انقلاب، ما شکست نخوردگان دیروز، تاریخ پیروز شدگان را خواهیم نوشت.

در پایان مبلغ ۷۵۰۰۰۰ تومان کمک مالی را به کنگره تقدیم می نمایم.

زنده باد

حزب کمونیست کارگری ایران

پیروز باد انقلاب انسانی

نینا، رکسانه، ستاره، شادی، مسعود، سمند، امید، فواد، آیدر، شبنم

پیام جهان دانشی به کنگره ۷

شرایط حاضر مجموعه مؤلفه های ضروری برای به سرانجام رساندن يك انقلاب اجتماعی را در خود دارد،

مطالبات انسانی به سرعت دارد به شعار مردم تبدیل می شود، این واقعیت در مقایسه هر تظاهراتی نسبت به تظاهرات قبل با وضوح و صراحتی عیان است که جریانات چپ و راست مخالف انقلاب را ناچار به اعتراف کرده است.

شعارهای انسانی ای که امروز در تظاهرات آنها به وسعت توده ای و میلیونی داده می شوند، شعار جنبشهایی اجتماعی هستند که طی سی سال گذشته با پرچم چپ در مقابل توحش جمهوری اسلامی مبارزه کرده و اکنون توده ای گشته اند. خواست آزادی زندانیان سیاسی، محاکمه آمران و عاملان کشتار مردم در تظاهرات، تبدیل کردن ندا آقا سلطان به سمبل مبارزه علیه رژیم ضد زن اسلامی و خواست سرنگونی رژیم به طور کلی و با همه جناهایش، معرف حضور و تأثیر يك جنبش انسانی عمومی (جنبش کمونیسم کارگری) در همه دوران سی ساله این مبارزات، علیه جمهوری اسلامی است. این جنبش بود که از ابتدا با در دست گرفتن پرچم سرنگونی رژیم و نمایندگی خواستهای انسانی مردم به هیچ چیز جز سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نداد.

حزب کمونیست کارگری به عنوان نماینده این جریان از بدو تشکیلش به طور حرفه ای و درست وظیفه هدایت مبارزات مردم علیه رژیم را در تمام عرصه ها، از مبارزات کارگران برای برخورداری از يك شرایط قابل تحمل گرفته تا مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی، پوشش اجباری و مبارزات دانشجویان، دفاع از حقوق کودکان، مبارزه علیه اعدام و بر عهده گرفته و مجموعه آن را تا شرایط انقلابی امروز رهبری نموده است.

امروز همه چیز به نفع ما، مردم و حزب است. مردم انقلابی به خیابان آمده اند، اما به سرانجام رساندن این انقلاب وظیفه حزب است که باید نقش رهبری و سازماندهی آن را قدرتمند تر ایفا کند. این کنگره می تواند و باید کنگره انقلاب باشد و به پیروزی رساندن انقلاب را در رأس فعالیتهاى حزب قرار دهد.

زنده باد کنگره هفتم (کنگره انقلاب)

زنده باد سوسیالیسم

پیام پرویز پوینده به کنگره ۷

صفحه ۱۷

از صفحه ۱ پیامها به کنگره ۷ ...

حضور احمدی نژاد در اجلاس "آب و هوا" در کپنهاک را به محل اعتراض به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

قرار است احمدی نژاد در روزهای ۱۷ و ۱۸ ماه دسامبر به دانمارک سفر کند و در اجلاس مربوط به تغییرات آب و هوا که در کپنهاک برگزار می‌شود، باید محل اجلاس آب و هوا به دادگاهی برای محاکمه جنایتکاران حاکم بر ایران تبدیل شود. حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم



میشود، شرکت کند. پذیرش سران جمهوری اسلامی در اجلاس بین‌المللی که انعکاس گوشه کوچکی از صحنه‌ها و اخبار جنایات اخیرشان با موجی از خشم و انزجار بین المللی روبرو شد، از نظر مردم ایران بخشودنی نیست، قابل قبول نیست، نباید کسانی که دست شان بخون مردم آلوده است، اجازه یابند در مجامع بین‌المللی بنام آنها سخن بگویند. سران جنایتکار جمهوری اسلامی به هر منظور و تحت هر بهانه‌ای نباید اجازه داشته باشند در مجامع بین‌المللی حضور یابند.

جمهوری اسلامی باید در سراسر جهان منزوی و از مجامع بین‌المللی طرد گردد! هر گونه رابطه سیاسی، فرهنگی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی باید قطع شود! احمدی نژاد بخاطر جنایاتی که مرتکب شده است باید دستگیر و محاکمه شود!

مردم آزاده!
حضور احمدی نژاد در اجلاس کپنهاک، باید با اعتراض وسیع روبرو

میشود، شرکت کند. پذیرش سران جمهوری اسلامی در اجلاس بین‌المللی که انعکاس گوشه کوچکی از صحنه‌ها و اخبار جنایات اخیرشان با موجی از خشم و انزجار بین المللی روبرو شد، از نظر مردم ایران بخشودنی نیست، قابل قبول نیست، نباید کسانی که دست شان بخون مردم آلوده است، اجازه یابند در مجامع بین‌المللی بنام آنها سخن بگویند. سران جنایتکار جمهوری اسلامی به هر منظور و تحت هر بهانه‌ای نباید اجازه داشته باشند در مجامع بین‌المللی حضور یابند.

مردم آزاده!
حضور احمدی نژاد در اجلاس کپنهاک، باید با اعتراض وسیع روبرو

انسانیت ما در این کنگره به نمایش در خواهد آمد. برای شرکت کنندگان در کنگره آرزوی بیشترین موفقیتها را دارم و به همه نمایندگان حاضر در آن درود می فرستم. آرزو می کنم که در کنار مباحث و جدلهای جاری در کنگره دخیل باشم و در یافتن راهای تازه موفق باشم. و برای برگزاری کنگره بعدی در ایران ویا حضور میلیون‌ها اعضا و دوستداران و شرکت کنندگان در آن تلاش خواهم کرد. در آغوش کشیدن تک تک رفقا و بوسیدنشان در تهران آرزوییست که تحقق اش را بزودی ممکن می دانم و کنگره بر سرعت وقوع اش باید که موثر باشد.

زنده باد سوسیالیسم! زنده باد حزب کمونیسم کارگری! انسانیت نداییست که این جامعه اسلام زده طلب می کند پس زنده باد انسانیت!*

حقیقت را نفهمیدند و نگفتند. حقیقت این بود و اینست که موسوی و کروبی و انتخابات بهانه اند و واقعیت این است که مردم دنیای بهتری می خواهند، دادن تصویر ملموس از آمال و آرزوهایشان همین امروز ضروریست. و کنگره باید این تصاویر را دریا بدست بدهد. کنگره هفتم کمونیسم کارگری کنگره انسانیت است، انسانیت همان چیز است که در حاکمیت این جامعه تماما غایب است. پیدا کردن راه دقیق بیان انسانیت کمونیسم ما وظیفه کنگره است. بعد از منصور حکمت این کنگره است که می تواند باید و یا جا پای او بگذارد. شخصا منتظر مباحث داغ و دو آتشه و جدی در کنگره هفتم هستم. برای جلو رفتن به پیدا کردن راه نیازمندیم. اوج تمدن

را درک نکرد و به هذیان گویی دچار شد. تاکتیک فراخوان انسانها به خانه نشینی ارتجاعیست، بشریت با خانه نشینی متمن نشده، تکامل بشر اتفاقا از فعالیت اجتماعی اش - هر چند این فعالیت اشتباه هم بوده باشد - ممکن شده است. این الفبای مارکسیسم و شناخت مادی از جهان است، این اولین جملات مارکس در گروندریسه است، فراخوان به خانه نشینی هذیان گویی است، ایده ایسم و ارتجاعیست.

درست و سر بزنگاه سره از ناسره جدا شده است. ما چپهای بی تخفیفی هستیم که می خواهیم کار هرکولی بکنیم. امروز همان روزی است که کوبیدن صرف بر شعارهای اثباتی سم اند، امروز همان روزی است که چپ سلیم النفس باید آنرا دریابد و تفاوتهايش را با سالهای پیش در تحركاتش لحاظ بکند. چپی که برای تغییر دنیا باید نماینده "سلبی" بشود، درسهایش را قبلا گرفته است. ما نمایندگان واقعی انسانیت متمدیم. سوسیالیستهای واقعی هستیم. کمونیستهای دو آتشه ایم. آنچه هست را نمی خواهیم، استثمار انسان بدست انسان، فقر و تبعیض به هر شکل اش را نمی خواهیم، آزادی و برابری بی قید شرط انسانها را می خواهیم و این آرمانیست که راه تحققش را می دانیم و می خواهیم متحقق اش بکنیم. کنگره اتفاقا باید بر این بکوبد که آرمانهای بشریت متمن، سوسیالیسم و کمونیسم بدست ما تحقق پذیرند و امروز روز تحقق آنهاست و ما راه تحقق اش را بهتر از هر کس دیگری می دانیم. نه فقط چپ پیروتی نباید کمترین اثری روی ما بگذارد که برعکس این ما و کنگره ماست که باید دیگران را به تشکلی بزرگتر و گامهای عظیمتر فرا بخواند.

واقعیت با ماست. همین روزهای کنگره که مقارن ۱۶ آذر در ایران است يك واقعیت ملموس است که مویذ صحت شناخت ماست، چپی که در دانشگاه این روزها رژه خواهد رفت متأثر از ماست و ما را می طلبد. حقیقت تحولات جاری در ایران امروز را ما گفته ایم. کسانی که تعرضات مردم را "سبز" دیده اند، کسانی که همه چیز را به تقلب در ارای انتخابات گره زده اند، کسانی که اعتراضات مردم را به موسوی و کروبی منتسب می کنند هیچکدام

کل تشکیلات حزب است که همانطور که رهبر بزرگمان در کنگره ی ۲ حزب به درستی روی آن تاکید کرده این ستون فقرات مارکسیستی ادامه کاری حرکت حزب را به سمت انقلاب و سوسیالیسم تضمین می کند. این ستون فقرات است که باید در خود تشکیلات حزب ما همه کاره باشد و بویژه رهبری حزب را هم تامین کند و منشا همه ی سمت گیری های حزب باشد. نکته دیگری که می خواستم رویش انگشت بگذارم و این کنگره را به دیدن و بذل توجه بیشتر به آن دعوت کنم نقش و جایگاه بی بدیل رهبرمان رفیق حمید تقوایی است که انصافا در این سالهای بعد از منصور حکمت، با تبیین ها و تحلیل هایش و با درک درست و زنده ای که از متد کمونیسم کارگری و روند های تحولات سیاسی جامعه به دست داده، چنان حزب ما را رهبری کرده که به نظر من همه ی اعضا و کادرهای حزب امیدوارانه تر کار می کنند و برآستی شایسته است که همینجا از ایشان تشکر کنیم و تلاش تک تک ما این باشد که از رفیق حمید تقوایی بیاموزیم و بکشیم مدافع نظرات و سیاست ها یش باشیم و خلاصه من از راه دور دور دستش را می فشارم و می خواهم آشکارا بگیریم که افتخار می کنم عضو حزبی هستم که حمید تقوایی رهبر آن است. زنده باد سوسیالیسم و زنده باد رفیق حمید تقوایی که پرچم سوسیالیسم را به دست دارد.

زنده باد انسانیت پیام منصور تر گاشوند به کنگره ۷

کنگره هفتم حزب ما باید به بزرگترین نکات مطرح در این دوران پاسخ در خور بدهد. به نظر من کنگره باید نشان بدهد وضعیت فعلی جامعه را به خوبی درک کرده است. بدون شناخت کافی از وضعیت موجود نمی توان حتی يك گام درست برداشت. تمام مشکلات جریانات ریز و درشت چپ در همین خلاصه می شود. چپی که بقدر "دیدن" می فهمید، بدین علت عاقبت رقت انگیزی پیدا کرده که حواس اش اشتباه کرد و "رنگ" سبز را دید و در آن غرق شد و به همین علت واقعیت

با سلام به همه ی رفقا ی حاضر در کنگره هفتم درود های گرم ما را بپذیرید، در شرایطی این نامه را برایتان می نویسم که از شروع نخستین پرده ی انقلاب جاری، انقلابی که سالهاست منتظرش بودیم چند ماه میگذرد. همه ی این تحولات در تحلیل نهایی مویذ صحت و درستی ارزیابی هایی است که دستاورد حزب ما و رهبری فکور و انقلابی ای است که با فرمول بندی های زنده و مبتنی بر متد کمونیستی- کارگری شناخت عینی تر و عمل گرایانه تری را به همه ی مردم بویژه طبقه ی کارگر ارائه کرده است. رهروان حقیقت و جویندگان يك دنیای بهتر امروز خوشبختانه حزب کمونیست کارگری را دارند که بتوانند به گرد این ابزار انقلاب، سلاحی که طی ۳۰ سال گذشته ساخته شده و در جریان نبرد های سنگینی علیه ضد انقلاب اسلامی و سایر جریانات بورژوازی صیقل خورده است، جمع شوند و نگذارند که احزاب سیاسی طبقات حاکم بار دیگر صحنه گردان باشند و سرانجام با کودتایی خونین سرآزادی- برابری را ببرند. این حزب تشکیل شده و خود را به اینجا رسانده تا نماینده ی اکثریتی باشد که همواره استثمار می شوند و قربانی می دهند، نماینده ی کسانی که این دنیا را شایسته ی شان انسان نمی بینند و خواستار بازسازی رادیکال و ریشه ای جامعه ی طبقاتی کنونی هستند. در پرتو تلاش های این حزب، انسانیت، تمدن و کمونیسم بطور کلی، امروز به شکل انکار ناپذیری با کمونیسم کارگری تداومی می شود. می توان اکثریت محروم جامعه را حول پرچم حزب کمونیست کارگری سازمان داد. این امکان و فرصت عظیمی که بوجود آمده مسئولیت سنگینی بر دوش همه ی فعالین، اعضا و کادر رهبری این حزب می گذارد. رفقا جوانب امر نشان می دهد که طوفان انقلاب سهمگینی قریب الوقوع است. سالهاست که نوشته های زیادی از رفقا منصور حکمت و حمید تقوایی به مثابه ی قطب نما ی مسیر حرکت حزب ما به نزدیک تر شدن این انقلاب اشاره می کنند. اما اصلی ترین هدف من از این پیام، جلب توجه کنگره به اهمیت و نقش و جایگاه ستون فقرات مارکسیستی در درون

قرار در مورد قطعنامه انقلاب جاری مصوب دفتر سیاسی

کنگره هفتم حزب، قطعنامه درباره انقلاب جاری در ایران، مصوب دفتر سیاسی در تاریخ 20 سپتامبر 2009 را مورد تاکید قرار میدهد.

سیر تحولات دوماه اخیر صحت و حقیقت این قطعنامه را کاملاً تایید کرده است.

قطعنامه درباره انقلاب جاری در ایران

۱- جنبش توده ای که از خرداد ۱۳۸۸ شروع شد سر آغاز يك انقلاب عظیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. این جنبش از نظر شرایط عینی اجتماعی و سیاسی میتواند در ادامه خود با سرنگونی كل نظام جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه به پیروزی برسد. پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی حاضر به فعالیت و دخالتگری حزب کمونیست کارگری و تامین رهبری حزب بر جنبش انقلابی گره خورده است.

۲- جنبش انقلابی حاضر، که در قدم اول در شکل تظاهرات و تجمعات گسترده توده ای و میلیونی ابراز وجود کرد، همچنان ادامه دارد، و شرایط تمهیق و رادیکالیزه شدن و پیشرویهای بیشتر خود را فراهم می آورد. بهم ریختگی و آشفتگی صفوف حکومت، رشد تنفر و انزجار عمومی مردم در ایران و در سطح جهانی از رژیم اسلامی و تضعیف موقعیت حکومت در سطح جهانی و در رابطه با دولتها و نهادهای بین المللی همه از جمله دستاوردهای تا کنونی جنبش انقلابی حاضر است. امروز دیگر چهره جمهوری اسلامی نه با پرورژه هسته ای و ضد آمریکائی گری و مستضعف پناهی و دخالتگری در عراق و لبنان و فلسطین و رابطه اش با دیگر نیروهای تروریست اسلامی، بلکه با کشتار مردم در خیابانها و تجاوز و شکنجه در زندانها و وحشیانه ترین جنایات علیه بشریت که اسناد آن در برابر چشم مردم جهان قرار دارد رقم میخورد. شرایط سیاسی در ایران کاملاً به نفع انقلاب و توده مردم و به ضرر حکومت اسلامی و کلیه نیروهای ضد انقلابی تغییر کرده است. بر متن این شرایط بزیر کشیدن و محاکمه و محکوم کردن جانیان حاکم، يك هدف فوری انقلاب و سکوی پیشروی آن به مراحل عالی تر است.

۳- انقلاب جاری از نظر

مضمون ادامه جنبشهای اعتراضی کارگران و زنان و دانشجویان و جوانان و برآمد انفجاری جنبش سرنگونی طلبانه ای است که با شورش ۱۸ تیر ۷۸ آغاز شد و در ده ساله اخیر در قالب اعتصابات وسیع و هرروزه کارگری، مبارزات جوانان و دانشجویان، جنبش مداوم زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسی- که حکومت به اسم جنبش بدحجابی مدام به آن حمله میکند-، جنبش دفاع از حقوق کودک، شورشهای متعدد شهری، جنبش علیه اعدام و علیه سنگسار، و تجمعات و اعتراضات هر ساله بمناسبت روز جهانی کارگر و روز جهانی زن و روز دانشجو و روز جهانی کودک بروز پیدا کرد. جنبش حاضر در مضمون و از نظر مبانی عینی شکل گیری و خواستها و آرمانهای خود يك جنبش چپ و رادیکال با گرایش قوی برابری طلبی و آزادیخواهی کارگری است. نفس بروز و سر برآوردن این انقلاب نشانه حضور و نفوذ قدرتمند آرمانها و سیاستها و آلترناتیو چپ است که بوسیله حزب در تمام دوره فعالیتش نمایندگی و پراتیک شده است.

۴- امکان به میدان آمدن میلیونی توده های مردم بر سر مساله قدرت و شروع انقلاب جاری را تشدید بیسابقه کشاکش جناحهای حکومتی، که بنویه خود ناشی از بالا رفتن ناراضیتهای ها و اعتراضات مردم بود، فراهم آورد. اساس اختلاف میان جناحهای حکومتی، مانند اختلافاتی که از زمان بنی صدر تا امروز در صفوف حکومت همیشه وجود داشته است، بر سر شیوه های متفاوت حفظ نظام از "خطر" جنبش انقلابی مردم است. اما نزاع اخیر میان باندهای حکومتی، برخلاف دوره های گذشته، به چنان درجه ای از حدت رسیده است که دیگر چتر ولایت فقیه قادر به حفظ وحدت و انسجام صفوف حکومت نیست. این واقعیت، که از همان مناظره

خاتمی شکست خورده است و امروز نیز بهیچوجه قادر به کنترل و تحریف انقلاب حاضر نیست. خواست و نیاز مردم ایران نه تغییری در حکومت بلکه خلاصی از كل نظام جمهوری اسلامی است و با پیشرفت جنبش انقلابی جاری این ضرورت بیش از پیش و به شکل صریح تر و علنی تری در مبارزات مردم متجلی میشود.

۶- شروع انقلاب حاضر نه تنها بشارت دهنده پایان عمر جمهوری اسلامی، بلکه در عین حال در يك سطح اجتماعی اعلام شکست و بی اعتباری سیاسی و اجتماعی نسخه ها و پروژة های كل نیروهای اپوزیسیون بورژوازی، ملی اسلاميون و احزاب ناسیونالیست عظمت طلب و جریانات فدرالیست و قوم گرا، است. نسخه های استحال و تغییرات تدریجی، رژیم چنج و انقلاب مخملی و بحران آفرینی در مرزها و فدرالیسم و رفراودم و تغییر قانون اساسی و نافرمانی مدنی و غیره، عملاً و در پراتیک اجتماعی مردم به حاشیه رانده شده و بدیل انقلاب و تغییر بنیادی وضع موجود در دستور روز توده های بجان آمده مردم قرار میگیرد.

۷- روند انقلاب جاری به سرعت و بیش از پیش احزاب و نیروهای سیاسی را به دو صف نیروهای انقلابی و ضد انقلابی، نیروهای طرفدار حفظ نظام حاکم، حداکثر با تغییراتی در شکل نظام، و نیروهای خواهان سرنگونی كل نظام جمهوری اسلامی تقسیم میکند. این در واقع بخشی از روند پولاریزاسیون طبقاتی جامعه به دو کمپ طبقاتی کارگر و سرمایه دار است.

۸- احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون بورژوازی - نیروهای متعلق به جنبش ملی-اسلامی، جنبش ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، و جریانات ناسیونالیست قومگرا - هر يك تلاش میکنند در جهت اهداف و سیاستهای خود بر جنبش انقلابی مردم تاثیر بگذارند و آنرا به انحراف و نهایتاً به شکست بکشانند. این نیروها در هراس از "خطر" انقلاب، بیش از پیش بطور مستقیم و یا غیرمستقیم در برابر جنبش انقلابی مردم و خواستهای برحق آنان قرار میگیرند. امروز نه تنها طیف وسیع نیروهای ملی-اسلامی و دو خردادپون قدیم و جدید، که پاره ای از تن رژیم هستند و

همواره تعهد خود به حفظ نظام را اعلام داشته اند، بلکه نیروهای اپوزیسیون بورژوازی مدعی سرنگونی جمهوری اسلامی، مانند حزب مشروطه و سازمان مجاهدین، تا اطلاع ثانوی از همان سرنگونی طلبی نیم بند خود نیز دست شسته و در کمپ موسوی و نیروهای خط استحاله رژیم قرار گرفته اند.

۹- در برابر نظام حاکم و نیروهای بورژوازی مدافع آن، صف آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری، جنبش سکولاریستی پیگیر علیه مذهب و دخالت مذهب در دولت و قوانین و زندگی اجتماعی، خلاصی فرهنگی و مدرنیسم، و رهایی بی کم و کاست زن قرار گرفته است. این ها مولفه های تشکیل دهنده يك جنبش انقلابی و انسانی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که در چند سال اخیر با افت و خیز اما بطور مداوم در جامعه جریان داشته است. حزب کمونیست کارگری به شهادت تمام فعالیتها و مواضع و سیاستهای خود، حزب این صف است، صف انقلاب و آزادیخواهی و برابری طلبی بی تخفیف را نمایندگی و رهبری میکند و تمام تلاش خود را بر استحکام، شفافیت و پیشروی و پیروزی این صف قرار داده است. پیروزی این جنبش انقلابی و انسانی در گرو ایفای نقش فعال حزب کمونیست کارگری است.

۱۰- شروع انقلاب در ایران در سطح جهانی اعلام پایان یکدوره سیاه در تاریخ معاصر است. دوره ای که ویژگی آن یکه تازی میلیتاریسم دول غربی و ارتجاعی ترین نیروهای بورژوازی غرب از تاجریسم تا ریگانیسم و بوشیسم، و سر بر آوردن جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی و حضور نیروهای قومی- ملی- مذهبی در جوامع باقیمانده از اردوگاه بلوک شرق بود. دوره ای که جهان متمن و مردم شریف دنیا در چنگال جنگ تروریستها و مدل ریاضت کشی اقتصادی مکتب شیکاگو و نسبیست فرهنگی فشرده میشد و هر حرکت اعتراضی در خاورمیانه و آفریقا و اروپای شرقی و جمهوریهای بازمانده شوروی با پرچم قومیت و ملیت و مذهب خود را بیان میکرد. جنبش حاضر اولین حرکت انقلابی و آزادیخواهانه توده ای و بروز اجتماعی اعتراض جهان متمن به

بیانیه دانشجویان دانشگاه های کردستان به مناسبت روز دانشجو

۱۶ آذر روز دانشجویست. روزی که در تاریخ ایران روز اعتراض صریح دانشگاه به استبداد و تبعیض و نابرابری است. روزی که سنگر آزادی



را در قلب جامعه در بوران یأس و ناامیدی پایدار نگاه داشته است و از حق زندگی انسانی سرسختانه و جسورانه دفاع کرده و بکرات قربانی داده است.

این روز اما برای ما دانشجویان در این سالیان اخیر پیشروی يك افق و سنت مطالباتی معترض و بدون تخفیف در آزادی را نیز به ارمغان آورد. سنتی که هدف خود را در اساسی ترین و ریشه ای ترین خواست های اجتماعی و انسانی جستجو می کرد و پیوندش را با اعتراضات اجتماعی کارگران و زنان و بخش های دیگر اجتماعی مداوماً حفظ و تقویت می کرد و پیام های روشنی داشت: آزادی - برابری، دانشگاه پادگان نیست، نه به آپارتاید جنسی و دفاع از مبارزات برحق افسار مختلف اجتماعی.

پیشروی این افق در دانشگاه به خوبی توانست بر افق سازش و توهم

به اصلاحات و دلخوش کردن به آزادی های نیم بند فائق آید و افق و پرچم مامشات و چانه زنی بر سر آن را به حاشیه براند. این امر توانست پرچمی را در سطح دانشگاه برافرازد که خواست هایش بر آمده از پایگاه طبقاتی کارگران و افسار زحمت کش و فرودست جامعه بود. این پرچم هر درد آزادی خواهی بود. این پرچم هر درد مند و نیازمند آزادی برابری و رفاه و

گزارش مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه آزاد سنندج

دادند. این مراسم که قرار بود تا ساعت ۱۱ ادامه داشته باشد با دخالت نیرو های بسیجی و حراست دانشگاه به هم زده شد و از خواندن بیانیه ها و سخنان دانشجویان جلوگیری کردند. این مراسم در میان اعتراض دانشجویان نسبت به برخورد بسیجیان و حراست

که از ورود ایشان به مراسم ممانعت شده بود حمایت خود را ابراز داشتند. دانشجویان در این مراسم با برداشتن شعارهایی که روی آن نوشته شده بود: زنده باد آزادی برابری - دانشگاه پادگان نیست - دانشجوی زندانی آزاد باید گردد - نه سبز نه سیاه

امروز در دانشگاه آزاد سنندج مراسمی به مناسبت روز دانشجو در ساعت ۹:۳۰ صبح در محل آمفی تاتر دانشگاه برگزار گردید که در این مراسم دانشجویان با محدودیت هایی که در برابرشان قرار گرفته بود باز هم توانستند با ایراد سخنان اعتراض آمیز نسبت به فضای خفقان و سرکوب در جامعه و در دانشگاه سخنان خود را ایراد کنند که با تشویق های مکرر دانشجویان همراه شد. دانشجویان در سخنان خود اعلام داشتند که به علت نبود آزادی های سیاسی و آزادی احزاب در ایران بار ابراز اعتراضات و ناراضی های موجود در جامعه بر عهده دانشگاه افتاده است و ما دانشجویان از پای نمی نشینیم و خواهان مطالبات اجتماعی و انسانی خود هستیم.

دانشجویان با ابراز تاسف از بازداشت و زندانی کردن فعالین دانشجویی خواهان آزادی بی قید و شرط آنان شدند و از مادر یاسر گلی

برگرفته از سایت اتحاد کارگری



دانشگاه با خواندن سرود یار دبستانی، در ساعت ۱۱ به پایان رسید.

آزادی برابری - کارگر دانشجو اتحاد اتحاد - تبعیض جنسیتی ملغی باید گردد؛ به اعتراض خود ادامه

برگرفته از سایت اتحاد کارگری

از صفحه ۱۸ قطعنامه در باره انقلاب جاری

۱۱- در برابر جمهوری اسلامی و الگوهای داخلی و جهانی بورژوازی برای سرکوب و به انحراف کشیدن انقلاب مردم، آلترناتیو کمونیسم کارگری یعنی انقلاب توده ای برای سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی با پرچم آزادی و برابری و جمهوری سوسیالیستی قرار دارد. این آلترناتیو که بوسیله حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود پاسخ واقعی به خواستها و آمال واقعی توده مردم ایران برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸

جلی می کنیم.
۱۶ آذر ۸۸

دانشجویان دانشگاه کردستان - دانشگاه آزاد واحد سنندج - دانشگاه پیام نور

دوره سیاه سی ساله اخیر در ایران و در جهان است. استقبال و ابراز حمایت پر شور نیروهای آزادیخواه و پیشرو و مردم شریف دنیا از شکل گیری انقلاب حاضر در ایران يك بروز مشخص این واقعیت است.

جنبش انقلابی حاضر در روند پیشروی و رایکالیزه شدن خود و نهایتاً با جارو کردن نظام جمهوری اسلامی، تئوریهها و گرایشات ارتجاعی ای نظیر مستضعف پناهی و ضد آمریکائی گری اسلامی و همچنین دکتربیت نسبیته فرهنگی و انقلاب مخملی و رژیم چنچ را رسوا و بی اعتبار خواهد کرد و به اسلام سیاسی و ارتجاع میلیتاریستی غرب در سطح جهانی ضربه ای اساسی وارد خواهد آورد.

آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین آنان هستیم.
از تشکلهای و اساتید محترم برای تحقق این خواستها تقاضای حمایت

خواستار برگشتن دانشجویان محروم از تحصیل به سرکلاسهایشان هستیم.

مطالبات زیر را سرلوحه تلاش جمعی خویش قرار میدهم:

۱- آزادی همه دانشجویان زندانی و زندانیان عقیدتی

۲- تأمین تسهیلات صنفی و اجتماعی برای همه دانشجویان

۳- آزادی تشکل مستقل برای دانشجویان و آزادی بی قید و شرط بیان عقیده

۴- رفع فضای پلیسی و تهدید و ارباب از دانشجویان

۵- ما خواهان ممنوعیت حکم اعدام در جامعه هستیم و اعتقاد داریم حکم اعدام قتل آگاهانه برای انتقام جویی است نه اجرای عدالت.

۶- رفع فوری مجازات محرومیت از تحصیل برای فعالین دانشجویی

۷- رفع هر گونه تبعیض و جنا سازی جنسیتی در محیط های دانشگاهی و در جامعه

۸- ما دانشجویان از مبارزات برحق کارگران و زنان برای رسیدن به حقوق شان حمایت می کنیم و خواستار

اطلاعیه پایانی کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۴ و ۱۵ آذر ۸۸ (۵ و ۶ دسامبر ۲۰۰۹) در کشور هلند برگزار شد. طبق سنت تائونی حزب کنگره هفتم نیز بطور علنی برگزار شد و مباحث آن مستقیماً از طریق اینترنت پخش میشد. در این کنگره بیش از ۲۵۰ نماینده و مهمان و ناظر حضور داشتند. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، جانباختگان انقلاب مردم ایران و به یاد عزیز منصور حکمت کار خود را شروع کرد. کنگره بدنبال سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی لیبر حزب، اعتبارنامه نمایندگان را تائید کرد و پس از تصویب آئین نامه و دستور پیشنهادی و استماع پیامهای احزاب و شخصیت‌های سیاسی وارد دستور شد. دستور کنگره سه قطعه‌نامه در مورد "شرایط پیروزی انقلاب جاری و تعیین دولت آتی"، "خصلت طبقاتی انقلاب حاضر"، و "وضعیت سیاسی کردستان و وظایف ما"، و چهار قرار در مورد "جمهوری انسانی"، "تاکید بر قطعه‌نامه در مورد انقلاب جاری مصوب دفتر سیاسی، "کادرها"، و "جنبش همبستگی با مردم ایران" را شامل میشد. همه این اسناد، بجز دو سند آخر که بعلمت ضیق وقت مورد بررسی قرار نگرفت، در کنگره به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید. کنگره تصویب اسناد باقیمانده را به کمیته مرکزی محول نمود. علاوه بر این مانیفست انقلاب ایران نیز در کنگره قرائت شد و به تصویب همه نمایندگان و تائید همه میهمانان و ناظرین در کنگره رسید. در سخنرانی افتتاحیه، حمید تقوایی بر اهمیت کنگره هفتم بر متن وضعیت انقلابی در ایران تاکید کرد و گفت این کنگره از جهات مختلفی کنگره انقلاب است، یک انقلاب زنده و جاری که حزب را بمیدان فرا میخواند. او گفت حزب ما در تدارک و شکل دادن به انقلاب حاضر نقش داشته است، به استقبال آن رفته و فواخوان دهند آن بوده است و اکنون این انقلاب است که ما را فرامیخواند. و کنگره باید به این فواخوان پاسخ روشن و همه جانبه ای بدهد. در بخش پیامها رفقا عصام

شکری از حزب کمونیست کارگری چپ عراق، پیمان از سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان، و اتین از کمیته بین المللی کمونیستی از فرانسه پشت تریبون



کمیته مرکزی منتخب کنگره ۷
تعدادی از اعضای کمیته مرکزی در این عکس غایبند

قرار گرفتند و از جانب سازمانهای متبوعه خود به کنگره پیام دادند و سپس پیام کتبی کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران به کنگره هفتم قرائت شد. پیامهای شخصی رفیق سمیر نوری از رهبری حزب کمونیست کارگری چپ عراق، رفیق مادر عضو هفتاد و دو ساله حزب، و هارتموت کراوس سردبیر نشریه مارکسیستی هینترگروند از آلمان نیز از جمله پیامهایی بود که به سمع کنگره رسید. هم چنین در آخرین بخش و در فرصتهای دیگری در طی کنگره پیامهای پرشور اعضا و کادרהای حزب از داخل ایران قرائت میشد. مبحث گزارش که بوسیله اصغر کریمی رئیس هیات دبیران حزب ارائه شد تصویر همه جانبه و روشنی از فعالیتهای حزب در فاصله بین دو کنگره بدست داد. در این گزارش عرصه های مختلف فعالیت حزب

مضمون و جهت گیری عمومی قطعه‌نامه های کنگره تحلیل و تبیین انقلاب جاری در ایران و پاسخگوئی به مسائلی بود که این شرایط انقلابی

در برابر حزب قرار داده است. مضمون سیاسی و طبقاتی انقلاب، شرایط پیروزی آن، نقش حزب و طبقه کارگر در انقلاب جاری، زمینه ها و نتایج بین المللی انقلاب جاری، نقش نیروهای راست و موانعی که بر سر راه انقلاب ایجاد میکنند، اهمیت نقش رهبری کننده حزب و آلترناتیوی که حزب در برابر جامعه قرار میدهد همه از جمله نکات مطروحه در قطعه‌نامه های پیشنهادی بود که از جنبه های مختلفی در بحثهای مخالف و موافق حول هر سند مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اسناد مهم تصویب شده قرار در مورد شعار جمهوری انسانی بود. این قرار در واقع تاکید همیشگی نظری و عملی حزب ما بر انسان و انسانیت و خصلت عمیقاً انسانگرایانه سوسیالیسمی که حزب ما نمایندگی میکند را در قالب یک شعار سیاسی ناظر بر مضمون و خصلت آلترناتیو و نظام و حکومتی که حزب برای تحقق آن مبارزه میکند، بیان میدارد. این جهت گیری بی شک در دل شرایط انقلابی جاری نقش مهمی در پیشروی های بیشتر حزب خواهد داشت.

مانیفست انقلاب ایران، سند مهم دیگری بود که به زبان فارسی و انگلیسی در کنگره قرائت شد و در میان ابراز احساسات پرشور حاضرین مورد تصویب و تائید همه نمایندگان و ناظرین قرار گرفت.

کنگره ۶۴ نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب نمود که عبارتند از: فریده آرمان، رها آزاد، کیان آذر، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، ناصر اصغری، غلام اکبری، سیامک امجدی، نازنین برومند، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیمیا بهاری، فاتیما بهرامی، حسن پناهی، فریبرز پویا، الیا تابش، حمید تقوایی، امیر توکلی، کیوان جاوید، جلیل جلیلی، فرشاد حسینی، بهمن خانی، شهلا دانشفر، مسترا دانشی، پتی دوینیتاس، بهرام سروش، محبوبه سیاهمردی، کریم شامحمدی، سهیلا شریفی، عصام شکری، محمد شکوهی، ایمان شیرعلی، مصطفی صابر، سوسن صابری، حسن صالحی، مهین علیپور، مرتضی فاتح، منصور فرزاد، جمیل فرزان،

مرسده قاندى، اصغر کریمی، محمد امین کمانگر، خلیل کیوان، عبدال گلپریان، عباس ماندگار، یدی محمودی، شیوا محبوبی، احسان محبی، علی محسنی، رضا مرادی، علی مرادی، فرشته مرادی، شهناز مرتب، بهروز مهرآبادی، کاوش مهران، نوید مینائی، مریم نمازی، سمیر نوری، کاظم نیکخواه، افسانه وحدت، رحیم یزدانپرست و بابک یزدی.

در نشست کوتاه اعضای کمیته مرکزی بلافاصله بدنبال کنگره، حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و ۲۶ نفر زیر به عنوان عضو دفتر سیاسی انتخاب شدند.

فریده آرمان، کیان آذر، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، نازنین برومند، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیمیا بهاری، فاتح بهرامی، امیر توکلی، کیوان جاوید، فرشاد حسینی، شهلا دانشفر، بهرام سروش، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، مرتضی فاتح، اصغر کریمی، خلیل کیوان، یدی محمودی، نوید مینائی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه. در این نشست مصطفی صابر بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب گردید.

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی بر دستاوردهای کنگره و اهمیت اسناد مصوبه آن اختصاص داشت. وی گفت کنگره بخوبی به وظایفی که در برابر خود داشت و به فراخوان انقلاب مردم ایران پاسخ مثبت داد و جهت گیری درست و اصولی ای را در مقابل حزب قرار داد که بیگمان نقش تعیین کننده ای در موفقیت حزب در عرصه های مختلف فعالیتش خواهد داشت. در این کنگره یازده نفر از میهمانان و ناظرین به عضویت حزب در آمدند و کنگره در فضائی گرم و صمیمانه و پرشور، فضائی که از همان آغاز بر این گردهمایی چه در جلسات رسمی و چه در خارج از جلسات حاکم بود، به کار خود پایان داد.*

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۸۸، ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹